

## کارگران کمونیست و اول مه

با هیئت اجرایی حزب

سیاوش دانشور، ناصر مرادی، آذر ماجدی، رحمان حسین زاده

## پاندمیک کرونا و دوراهی نظم نوین جهانی

بخش پنجم و پایانی

صفحه ۷

جمال کمانگر

## اول ماه مه و جنبش برابری زن و مرد

صفحه ۱۰

هلاله طاهری

## اعتراض به حداقل دستمزدهای ۹۹

### یا کمپین دفاع از خانه کارگر؟

صفحه ۱۱

سیاوش دانشور

## جایگاه افسانه ای هنر در فرهنگ بورژوایی

صفحه ۱۳

جاوید حکیمی

## مرگ آرمن ایزد پناه بر اثر کرونا در زندان

جان زندانیان سیاسی در خطر است

## کارگران کمونیست و تحزب کمونیستی

در باره خط آنتی تحزب

صفحه ۱۲

سیاوش دانشور

اطلاعیه شورای همکاری بمناسبت اول مه!

۵۴۰

# مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -  
Hekmatist

۵ اردیبهشت ۱۳۹۹ - ۲۴ آوریل ۲۰۲۰

اعلامیه حزب حکمتیست بمناسبت اول مه

سرمایه داری و بحران کرونا

سوسیالیسم بیش از هر زمان

ضروری و مبرم است!

آیا دیگر کسی تردید دارد که نظام سرمایه داری علیه موجودیت بشر و محیط زیست انسانهاست؟ برای کارگران کمونیست و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر، ماهیت استثمارگرانه و ضد انسانی سرمایه داری از زمان انتشار مانیفست کمونیست روشن بوده است. اما هیچ زمان مانند امروز، در دوره بحران کرونا با عملکرد دولتهای سرمایه داری، ماهیت ضد انسانی و گندیدگی این نظام برای توده های طبقه کارگر و بشریت آزدیخواه در ابعاد وسیع روشن نبوده است. سخنگویان سرمایه از وحشت دوره "پسا کرونا" به خود می پیچند، آنها حضور دائمی و روزافزون مارکس و انتقاد مارکسی به تناقضات و تضادهای نظم کاپیتالیستی را با سوال همراه با تردید "حضور مجدد مارکس؟" و یا حمله به کمونیسم پاسخ میدهند. از سوی دیگر بخشاً دولتها برای مواجهه با امواج سهمگین اعتراضی که در راهند، از "درآمد پایه جهانشمول" (Universal Basic Income) سخن میگویند. همه میدانند که پاندمی کرونا کاتالیزوری شد تا موج دوم بحران اقتصادی زودتر از پیشبینی نهادهای مالی جهان بوقوع بپیوندد و هم اکنون با تشدید بحران اقتصادی، سقوط صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## سرمایه داری و بحران کرونا

### سوسیالیسم بیش از هر زمان ضروری و مبرم است...

بازارهای بورس، بیکاری صدها میلیونی و پیامدهای تحولات تکنولوژیک، آینده سرمایه داری در هاله ای از ابهام قرار گرفته است. جهان پساکرونا دنیای تحولات شگرف و جدالهای زیر و رو کننده است.

میلیاردها مردم جهان با چشمان خویش دیدند که سرمایه داری هیولائی است که از جنایت سازمانیافته بسان کسب سودهای سرشار لذت می برد. مردم دنیا دیدند که دولتها چه وقیحانه اعلام کردند که چه کسانی قرار است بمیرند و چه کسانی قرار است زنده بمانند، چرا که برای بیهی ترین حق پایه ای ساکنین کره خاکی، حق سلامتی، امکانات و زیر ساختهای پزشکی و درمانی کافی وجود ندارد! همه دیدند که با استراتژی "مصونیت گله ای" و کشتار روزانه، سرمایه هنوز به تئوری جمعیت مالتوس و داروینیسیم اجتماعی و اصل "انتخاب اصلح" متکی است. همه دیدند که مجدداً دولتها ارقام نجومی به بانکها و بنگاههای بزرگ تزریق کردند و بجز حداقل اقداماتی، آنهم موقت، طبقه کارگر و شهروندان را بحال خود رها کردند. در قرن بیست و یکم، در اوج توانائی علمی و تکنولوژیکی و بارآوری کار، جهان به قصابخانه ای بدل شده که انسان کارکن در اتاق انتظار مرگ سرمایه است. فاشیسم و تئوریهای فاشیستی بدرجات مختلف عصای دست بورژوازی در بحران کرونا شد. دولتهائی که قرار بود به اداره ارائه خدمات برای رقابت سرمایه ها در جنگل بازار محدود شوند، مجدداً در مواجهه با بحران اقتصادی در راس امور قرار گرفتند تا تئوریهای قبلی شان را پوچ اعلام کنند. دولت، بعنوان ارگان مجری توحش سرمایه قد علم کرد. سرمایه داری که از خلاقیت و هنر تا سلامتی و بهداشت و آموزش و همه چیز را به کالا و به وسیله کسب سود بدل کرده است، در اوج تحولات تکنولوژیک و تولید انبوه از نجات جان شهروندان ناتوان ماند. معلوم شد بهداشت و درمان و سلامت اگر سودآور نباشد در اولویت دولتهای سرمایه داری نیست و سود بر حیات انسانها ارجحیت دارد. معلوم شد که بورژوازی برای سود نه فقط زندگی و آینده بشریت کارگر بلکه گره خاکی و محیط زیست وی را با خطر نابودی روبرو کرده است.

دنیای پسا کرونا دنیای کشمکشهای تند طبقاتی، دنیای زیر سوال رفتن قدرتهای تاکنون بظاهر باثبات، دنیای مبارزه حاد با نظم سرمایه خواهد بود. میلیاردها نفر در گرسنگی و بیکاری و ناامنی اقتصادی و بیماری دست و پا میزنند و معدودی آبر سرمایه دار بر کره خاکی سلطنت میکنند. در متن این بحران بیش از هر زمانی سوسیالیسم بعنوان نظامی مطلوب و عقلائتی طرح میشود. اینبار جنبشهای ضد کاپیتالیستی بسیار صریحتر از سوسیالیسم، از ضرورت سوسیالیسم و از نیاز به سوسیالیسم سخن خواهند گفت. نظامی که با اولویت و منفعت حال و آینده جامعه بشری در تناقض قرار دارد، باید سرنگون شود، باید با قهر انقلابی جنبش آنتی کاپیتالیستی بزیر کشیده شود. دوران پساکرونا دنیای تقابل با چهارچوبهای قانونی نظم سرمایه و ابزارهای تحمیق آنست. دنیای سقوط صنعت دین و اسطوره های جهالت مذهبی است.

صنعت دین بعنوان یک ماشین مخوف خوراندن زهر این جهانی سرمایه به محرومان، بیش از هر زمان در تاریخ معاصر بی اعتبار شد. خدا و نمایندگان زمینی اش در مقابل کرونا زانو زدند. این بی اعتباری مذاهب و صنعت دین یک وجه سقوط ارکان ایدئولوژیک سرمایه داری است. طبقه کارگر جهانی و بشریت آزادیخواه بیش از پیش خود را در تقابل با سرمایه داری و سیاستهای آن می بیند و در دنیای پساکرونا ضروری است با طرح ادعای سوسیالیستی خویش بعنوان جنبش و طبقه ای آلترناتیو بمیدان بیاید. آلترناتیوی که از چهارچوبهای قانونی و پارلمانی عبور کند و راه حل کارگری و سوسیالیستی را صریح و بدون ابهام طرح کند. در این مصاف سازماندهی جنبش عمل مستقیم کارگری و توده ای، تشکیل احزاب کمونیست کارگری که آلترناتیو سوسیالیسم را در مقابل کل جامعه قرار دهند، از وظایف کمونیست ها و مارکسیست ها و از نیازهای ضروری و مبرم کشمکش طبقاتی دنیای پساکرونا است.

در ایران در متن پاندمی شدید کرونا رسماً کارگران را به کشتارگاه فرستادند، با احتکار وسائل بهداشتی جان انسانها را وثیقه کسب سودهای نجومی کردند و حتی کمکهای دریافتی برای امور درمانی و بهداشتی را روانه بازار کردند. دولت اسلامی سرمایه داران از هم اکنون برای سونامی خیزش گرسنگان و ارتش بیکاری و اعتراضات تند ضد حکومتی آماده میشود. دیگر کسی نیاز به مکاشفه پیچیده برای درک ماهیت و عملکرد جنایتکارانه عریان سرمایه داری ندارد.

تامین فوری معیشت مناسب و رفاه برای همگان، تامین مسکن مناسب برای شهروندان، تامین رایگان آموزش و بهداشت و درمان، تضمین رایگان وسایل حمل و نقل و پایان دادن فوری به انواع تبعیض ها، از خواستههای بلافصل طبقه کارگر و پرچم مبارزاتی اش است. کل آنچه که بورژوازی نمیخواهد تامین کند، دولت انقلابی کارگری در هر گوشه جهان میتواند و میخواهد تامین و تضمین کند.

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست همراه با جنبش بین المللی طبقه کارگر اول مه را گرامی میدارد. طبقه ما در اینروز لازمست با ادعای مانیفست خود در مقابل سرمایه داری برای تغییر به میدان بیاید. در اول مه باید بر ضرورت استقلال سیاسی و تشکیلاتی طبقه کارگر از جریانات و جنبشهای بورژوائی تاکید کنیم. طبقه ما باید حول حزب کمونیستی کارگری خود گرد آید. باید سازمانهای توده ای و شورائی خود را بسازد. باید کل طبقه از شاغل و بیکار و خانواده کارگری متشکل و متحد شود. باید در مقام رهبر آزادی جامعه قرار گیرد. باید برای سرنگونی سرمایه و دولتهایش، تصرف قدرت سیاسی و ایجاد حکومت کارگری تلاش کند. ایجاد جامعه ای به دور از بردگی مزدی و استثمار فرد از فرد، عاری از تبعیض و نابرابری، به دور از فقر و گرسنگی و بیکاری و زشتی های جوامع امروز ممکن است. هیچ زمان مانند امروز سوسیالیسم و فقط سوسیالیسم به نیاز فوری میلیاردها انسان تبدیل نشده است.

**کارگران جهان متحد شوید!**

**نه به سرمایه داری، زنده باد انقلاب کارگری!**

**زنده باد اول مه روز همبستگی جهانی طبقه کارگر!**

**حزب کمونیست کارگری- حکمتیست**

فروردین ۱۳۹۸- آوریل ۲۰۲۰

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**

## کارگران کمونیست و اول مه

با هیئت اجرایی حزب

سیاوش دانشور، ناصر مرادی، آذر ماجدی، رحمان حسین زاده

**کمونست هفتگی:** روز جهانی کارگر امسال در متن بحران جهانی کرونا برگزار میشود. این اوضاع چه ویژگی مشخصی به روز جهانی کارگر میدهد، خطوط اصلی سیاست حزب حکمتیست چیست و حلقه اصلی سیاست کمونیستی و کارگری روی چه مسئله ای باید متمرکز باشد؟

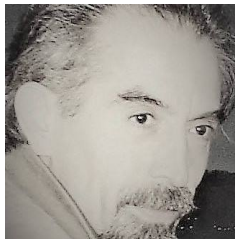
**سیاوش دانشور:** امسال روز کارگر در جهان تحت تأثیر پاندمی کرونا و بحران اقتصادی جهانی است که سایه یک نگرانی عمیق و ابهام راجع به آینده را در سطح جهان گسترانده است. سقوط بازارهای بورس و قیمت نفت تا حد صفر تنها بروزاتی از یک بحران عمیق اقتصادی است که نتایج هولناکی میتواند ببار آورد. از سوئی کارگران بدلیل اجتناب از ابتلا به بیماری کووید ۱۹، سیاست قرنطینه و محدودیتهای ضروری و پزشکی نمیتوانند اجتماعات و مراسمهای اول مه را برگزار کنند. از سوی دیگر بیکاری بسیار وسیع تکنونی، پیامدهای خشن تر بحران اقتصادی بر کار و امنیت شغلی و موقعیت عمومی اقتصادی طبقه کارگر، کارنامه تماماً سیاه دولتهای سرمایه داری طی این بحران در کنار سیاستهای راست و ضد انسانی و فاشیستی آنها، همه پتانسیل اعتراضی وسیعی را ایجاد کرده است که با سد ممنوعیت تجمعات و اجتناب از تجمع بدلیل پاندمی کرونا مواجه شده است. بدون تردید صدای اعتراض از هر سو بلند خواهد شد، سازمانهای کارگری و جریانات رادیکال سعی خواهند کرد به روشهای مقدور و از طرق رسانه های جمعی تا آنجا که بتوانند از سد سانسور بنگاههای خبررانی عبور کنند، حرفشان را میزنند. اما روشن است که امسال بورژوازی در کشورهای مختلف بدرجه زیادی از تظاهراتهای اول مه و اعتراضات اینروز خیالش راحت است. با اینحال اینها موجبی برای عدم اعتراض، برای بیان افق کارگری در قبال این بحران، برای نقد سیاستهای دولتها و در مرکز آن نظام ناکارآمد و ضد انسانی سرمایه داری با کارنامه سیاهش نخواهد بود. علیرغم این محدودیتهای امسال بیش از هر زمان این انتظار هست که سرمایه داری و عملکرد دولتهای مختلف در این بحران زیر فشار انتقاد کارگری و سوسیالیستی قرار گیرند و امر همبستگی جهانی کارگران در بحرانی که بشریت با آن روبرو است برجسته تر شود.

همینطور مسائل بزرگی مطرح اند که از بیماری کووید ۱۹ و محدودیتهای ناشی از آن فراتر میروند. دنیای پسا کرونا چه شمایی دارد، پیامدهای بحران اقتصادی بر کار و معیشت میلیاردها انسان چیست، چگونه باید به تقابل با دولتهای سرمایه و نظام لجام گسیخته سرمایه داری رفت، ناتوانی دولتها در تامین حقوق پایه ای مانند طب و بهداشت و سلامتی و تناقض عریان سرمایه داری با حقوق اولیه شهروندان، دورخیز دولتها برای شکستن هزینه های بحران اقتصادی روی دوش طبقه کارگر و اعمال سیاستهای وحشتناک تر ریاضتی، نگرانیها از تقابلهای شدیدتر اجتماعی، پیامدهای تحولات جدید تکنولوژیک و غیره، بیشتر از خود کرونا بر اذهان سنگینی میکند. بعبارت دیگر آنچه امروز در جریان است سرنخی است به آنچه که

قرار است بورژوازی در ابعاد بسیار گسترده تر در فردای باصطلاح عادی شدن اوضاع در دستور بگذارد. سوال پیشرویی مردم آزادیخواه جهان و مشخصاً جنبش ضد سرمایه داری و سوسیالیستی طبقه کارگر اینست که چه جوابی به این مسائل میدهد. تردید نباید داشت که امواج اعتراضات توده

ای و کارگری علیه نظم حاکم بسرعت راه میافتند. علیرغم هر محدودیتی که جنبش کارگری با آن روبرو است، امع از تسلیم طلبی جنبش یوینیونیستی و فقدان احزاب رادیکال و کمونیستی طبقه کارگر، اما بسیاری از انبهمات دوره بحران ۲۰۰۷-۲۰۰۸ دیگر وجود ندارد یا بسیار کمتر است، انتقاد ضد سرمایه داری قویتر و روشنتر است، سوسیالیسم با هر روایتی از جمله در حد محدود مسئولیت جامعه در قبال فرد و برخورداری از امکانات و تقابل با لجام گسیختگی بازار، بسیار قویتر و از نظر توده های وسیع مردم عقلانی تر از هر زمانی است. اینها صرفاً جنبه های مساعد شرایط کنونی اند که میتوانند محصولات سیاسی خود را ببار آورند. اینها کافی نیستند و هنوز جای یک جنبش سیاسی و حزبی متعین سوسیالیستی کارگری را پر نمیکند اما در قیاس با شرایط دو دهه گذشته بسیار مساعدتر است. بحران کرونا دیر یا زود تمام میشود و قبل از اتمام آن دنیا دارد به مسائل مهمتری فکر میکند و جنبشهای سیاسی و طبقاتی مختلف تلاش دارند خود را برای این جدالها آماده کنند. وظیفه کمونیست ها و مارکسیست ها در هر گوشه جهان اینست که به این جدال یاری برسانند. این جدالی جهانی است اما سنگرهای نبرد کشوری اند و شرایط در هر کشوری متفاوت است. پیروزی و پیشروی در هر سنگر میتواند کل جنبش جهانی طبقه کارگر را بجلو سوق دهد.

در ایران اوضاع بسیار وخیم و متمایز است. جامعه ای که از دل آبنامه بیرون آمده و قاطعانه علیرغم سرکوبهای خونین آنرا ادامه داده است، در متن این بحران متحمل شدیدترین ضربات انسانی و اقتصادی و بیکاری و سرکوب شده است. حکومت از خیزشهای توده ای میلیونی وحشت کرده است و زیر فشار بحران شدید و امکان فروپاشی اقتصادی عملاً کارگران را به محیطهای ناامن کار باضافه قتلگاه کرونا فرستاده است. جمهوری اسلامی بعد از کرونا حکومتی در مانده تر و در عین حال وحشی تر از کل تاریخ خود است. علیرغم این تمهیدات جدال طبقاتی در ایران در اشکال بسیار حاد روی صحنه می آید. بحران کرونا میتواند پایان جمهوری اسلامی و فروپاشی دستگاه دین هردو باهم باشد. در عین حال همزمان با تشدید جدال با جمهوری اسلامی، در ایران جدال جنبشهای اجتماعی و طبقاتی حادتر از هر زمانی خواهد بود. حرف مرکزی و اساسی ما اینست که هدف جنبشهای دیگر اینست بعد از کرونا در موقعیت بهتری قرار گیرند. جنبشهای دست راستی در کنار حکومت روی استیصال مردم و فلاکت اقتصادی و ناتوان شدنشان سرمایه گذاری میکنند. از هم اکنون مانورهای فاشیستی و ناسیونالیستی و جنگ طلبانه شروع شده است. طبقه کارگر بیش از هر زمان ضروری است بعنوان ناجی جامعه، بعنوان راه حل مستقل، بعنوان رهبر آزادی جامعه در مقابل کل بورژوازی بمیدان بیاید و برای بدست گرفتن ابتکار عمل سیاسی در مقیاس جامعه خود را آماده کند. این کلیدی ترین مسئله اول مه امسال است. بقیه مسائل فوری طبقه کارگر از این دریچه باید معنی شود. بعنوان مثال ما از تامین معیشت همگانی، بهداشت و درمان و بسیاری مسائل دیگر صحبت کرده ایم. یا کارگران علیه بیکاری شدید و دستمزدهای چند بار زیر خط فقر و مسائل متعدد دیگر اعتراض دارند. همه اینها باید از همان حلقه و فیلتر اصلی رد شود. توده ایستها و رفرمیستهای که خانه کارگر را





محکوم کنند. با اعلام قرنطینه و پرداخت حقوق و تامین معیشت برای همگان، تامین و تضمین نیازهای بهداشتی و درمانی برای همه ساکنین ایران ابتکار عمل سیاسی را بدست بگیرند.

**کمونیست هفتگی:** جمهوری اسلامی و جنبشهای اجتماعی مختلف برای دوره پسا کرونا خود را آماده میکنند. جنبش انقلابی طبقه کارگر در این زمینه نیازمند کدام آمادگی است و در اول مه روی کدام مسائل باید تاکید کند؟

**آثر ماجدی:** کرونا فقط یک ویروس کشنده نیست که به یک پاندمی جهانی بدل شد. کرونا موجد یک زلزله سیاسی - ایدئولوژیک در جهان شده است. بنظر می رسد که دنیا از یک کابوس بیدار شده و دارد جامعه و مناسبات حاکم بر آنرا بازبینی می کند. عمق بیعدالتی و نابرابری موجود با تمام زمختی و شناختش در مقابل چشمان جهانیان قرار گرفته است. دولتهای بورژوازی و برخوردارشان به این پاندمی سوالات بسیاری را مطرح کرده است. دولتهای دیکتاتوری که وقعی به افکار عمومی و نظرات شهروندان نمی گذارند. سرکوب و اختناق تنها پاسخ آنهاست. در جوامع تحت دموکراسی برخورد مردم به سیاست های غیرمسئولانه دولت ها آنچنان بود که برخی مجبور به تجدید نظر جدی در سیاست هایشان شدند. تزه های فاشیستی چون "مصونیت گله ای" یا همان داروینیسیم اجتماعی از طرف این دولت ها مطرح شد. و در واقعیت این سیاست دارد یا بشکل رسمی مانند آمریکا و سوئد و یا پوشیده مانند فرانسه و بریتانیا پیاده می شود. هر روز تعدادی در خانه های سالمندان از کرونا جان می بازند و نامشان حتی بعنوان قربانی کرونا ثبت نمی شود. بسیاری از این دولت ها به کرونا بعنوان "موهبت الهی" برای خلاصی از جمعیت سالمند برخورد می کنند.

دنیای پسا کرونا موجبات نگرانی و اضطراب بسیاری را پدید آورده است. بحران اقتصادی عمیقی که سرمایه داری جهانی در آن فرو رفته است اذهان بسیاری را متوجه خود ساخته است. این بحران بمراتب عمیق تر از بحران ۲۰۰۸-۲۰۰۷ خواهد بود. سطح معیشت کارگران و مردم زحمتکش بدنبال بحران اخیر بسیار افت کرد. فقر و نابرابری بسیار گسترش یافت. جنبش های دست راستی و حتی فاشیستی عروج کردند. در خاورمیانه و شمال آفریقا که مردم تحت این بحران ها دست به یک خیزش توده ای زدند با جنگ و ویرانی پاسخ گرفتند و زندگی سیاه تری بر آنها تحمیل شد. بحران پناهندگی هزاران نفر را قربانی گرفت. این واقعیات به اذهان خطور می کند و بر عمق هراس از دنیای پسا کرونا می افزاید. آیا دنیای پسا کرونا از پیش از آن وخیم تر و ناعادلانه خواهد شد؟ این سوالی است که در مقابل همه قرار گرفته است. طبق یک سونداژ در انگلستان اکثریت پاسخ دهندگان اظهار داشته بودند که نرمال برایشان شرایط پیشا کرونا نیست؛ شرایط متحول شده ای را خواهان هستند. نزد بسیاری سرمایه داری بعنوان یک نظام اقتصادی زیر سوال رفته است. نابرابری و بیعدالتی محکوم شده است. این مناسبات پیشا کرونا بود که اجازه داد هزاران انسان بخاطر دروغ ها و عدم مسئولیت دولتها و بخاطر عدم وجود امکانات درمانی جان بدهند. این شرایط پیشا کرونا است که میلیون ها نفر دیگر را تحت کرونا به خیل گرسنگان جهانی افزود.

## کارگران کمونیست و اول مه

**با هیئت اجرایی حزب ...**

میخواهند بعنوان "سخنگوی کارگران" معرفی کنند، بحث شان نه دستمزد است و نه ضرورتا اعاده حیثیت از آبروی نداشته خانه کارگر، هدفشان اینست جنبش رادیکال کارگری را عقب برانند و راستها مجموعا میداندار شوند. همین سندیکالیستها و پرو خانه کارگریهای امروز، فردا موکلین سندیکاهای دستگاهی و "شاخه کارگری" بورژوازی اپوزیسیون خواهند شد. مسئله و حلقه اصلی مطالبات بلافصل کارگری نیست بلکه تقابل با دست بالا پیدا کردن جنبشهای راست و افق و خط آنها در متن این بحران است. طبقه کارگر و گرایش رادیکال کارگری و کمونیستها باید اول مه را به آبانماه وصل کنند، جنبش محرومان و طبقه خویش را نمایندگی کنند و در مقابل راه حلها و تلاشهای دست راستی مانیفست خود را در اول مه طرح کنند.

**کمونیست هفتگی:** علیرغم تهدید ابتلا به کرونا، سیاست دولت اسلامی و کارفرمایان "عادی کردن" اوضاع و بازگشت اجباری کارگران و کارکنان به کار بعد از تعطیلات سال جدید است. حزب چه میگوید و در اعتراض به این مسئله جنبش کارگری در اول مه چه واکنشی لازم است نشان دهد؟

**ناصر مرادی:** دقیقا علیرغم شیوع گسترده پاندمی کرونا و ابتلای ده ها هزار نفر از مردم ایران به این ویروس مرگبار که تا به حال جان هزاران نفر را گرفته است، حسن روحانی در جلسه "شورای عالی امنیت ملی" به تاریخ ۱۹ فروردین اعلام کرد که ما کشور را تعطیل نخواهیم کرد حتی اگر دو سه میلیون نفر بدلیل بیماری کرونا بمیرند. دلیلش هم معلوم است هراس از فوران خشم مردم. روحانی و رژیمش درین بست اقتصادی قرار دارند. زورشان به کارفرما و صاحبان سرمایه که بخش بزرگ و کلانش در دست جناح دیگر حاکمیت از جمله بیت "رهبری" که سهام اصلی اقتصاد را در دست دارند نمی رسد. از پول و ثروت عظیم در تملک خامنه ای و سپاه و بنیاد مستضعفان از جمله ستاد اجرایی فرمان "امام" که روحانی با خواهش و تمنا و گوشزد کردن خطر عصیان مردم فقط یک میلیارد تومان دریافت کرد. بنابراین نمی خواهند تعطیل کنند چون خوب می دانند در صورت تعطیلی باید هزینه کارگران و شاغلین را پرداخت کنند در غیر اینصورت با اعتراضات میلیونی مردم روبرو خواهند شد که اینبار تجربه دو جنبش عظیم دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ را با خود دارند. بالاخره پاندمی کرونا نه تنها ماهیت جنایتکارانه و ضد بشری رژیم اسلامی را برای افکار عمومی و همگان نشان داد بلکه وقفه ای در یک روند سیاسی و تلاطمات صحنه سیاست ایران ایجاد کرد. از نظر ما صحنه سیاست ایران بعد از کرونا تشدید مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و رویارویی کارگر و مردم محروم اعماق جامعه علیه فقر و فلاکت خواهد بود.

در اول ماه مه و بمناسبت روز جهانی کارگر، جنبش کارگری و اردوی آزادیخواهی و برابری طلبی باید در مقابل رژیم اسلامی و سیاست ضد بشری فرستادن کارگران به محل کار در شرایط پر خطر پاندمی کرونا سیاست و ادعای خود را اعلام کنند و سیاست اعلام شده دولت و رژیم اسلامی از طرف حسن روحانی در فرستادن کارگران به سر کار را



## کارگران کمونیست و اول مه

با هیئت اجرایی حزب ...



می کند. وقتی روحانی از دو سه میلیون کشته برای جلوگیری از انفجار بمب ساعتی بیکاری و گرسنگی حرف می زند، دارد به همین واقعیت اشاره می کند.

روشن است که فقر و گرسنگی و بیکاری افزایش چشمگیری خواهد داشت. دولت با کشتار بیکاران و گرسنگان دارد به استقبال

این شرایط می رود؛ ما باید با تعمیق اتحاد و همبستگی و همیاری برای مقابله با این عواقب به استقبال این شرایط برویم. دنیای پسا کرونا شاهد نبرد آخر ما با جمهوری اسلامی خواهد بود. سرنگونی و مرگ رژیم اسلامی آروزی قلبی اکثریت قریب باتفاق جامعه است. باید خود را برای این نبرد آخر آماده سازیم. جمهوری اسلامی به کرونا بعنوان یک "موهبت الهی" مینگرد که وقفه ای در مبارزات و اعتراضات توده ای ایجاد کرد. ما نیز باید در این شرایط بفرکر ایجاد ملزومات تداوم مبارزه و پیروزی باشیم. باید برای ایجاد ملزومات تشکلهای توده ای مان، برای ایجاد شوراهایمان بکوشیم. کارگران رادیکال سوسیالیست باید در این روزهای سخت در محافظشان بر ایجاد این ملزومات متمرکز شوند. ایجاد آماجگی و ملزومات تداوم مبارزه پس از پایان بحران کرونا باید در محور دستور فعالیت ما قرار گیرد.

اول ماه مه روز جهانی کارگر، روز جهانی آزادیخواهی و برابری طلبی و اعلام عزم جزم برای سرنگونی سرمایه داری و ایجاد یک جامعه سوسیالیستی است. لذا در این روز طبقه کارگر باید یکبار دیگر عزم خویش را برای تداوم این مبارزه جزم کند. در اینروز نقش کارگران رادیکال سوسیالیست، رهبران رادیکال طبقه کارگر حیاتی است. زنده نگاه داشتن روحیه مبارزاتی و اتحاد طبقاتی یک امر حیاتی است. تداوم مبارزه تحت شرایط جدید؛ تداوم مبارزه در قالب آماده سازی و تدارک ملزومات درون محافل کارگری بطرفی که برای خود کارگران قابل قبول باشد امر امروز ماست. این امر را باید در دستور خود بگذاریم و برای انجام آن آستین ها را بالا بزنیم.

**کمونیسیت هفتگی:** با توجه به تلاشهای تاکنونی برای همیاری و همبستگی با مردم محروم و در تداوم آن، در اول مه روی چه مسائل مشخصی باید تاکید کرد؟ حزب چه فراخوانی به کارگران کمونیست، فعالین کارگری و طیف وسیع سوسیالیست ها و فعالین رادیکال اجتماعی در مناسبت اول مه دارد؟

**رحمان حسین زاده:** فرصت یک هفته ای به گرامیداشت اول مه باقی است. شواهد نشان میدهد، آن تحرک و جنب و جوش لازم در تدارک گرامیداشت شایسته روز جهانی کارگر در جریان نیست. متأسفانه و پیروس نکبتی کرونا بر همه ابعاد زندگی و سوخت و ساز جامعه تاثیر گذاشته است. از جمله محدودیتهای جدی در مقابل برگزاری مراسمهای روز اول مه امسال به وجود آورده است. عدم تحرک کافی و ضروری از جانب رهبران و فعالین و نهادهای کارگری برای طرح ریزی گرامیداشت اول مه در این بطن قابل توضیح است. اما اولین گام فراخوان ما این بوده و هست، نباید به این اوضاع تمکین کرد و با خلاقیت و ابتکار منطبق با اوضاع امسال، باید روز اول مه را با برجستگی شایسته به میان جامعه برد. ما متوجه ایم و در فراخوانمان بر این مساله تاکید کرده ایم که در اول مه امسال نمیتوان تجمع کرد. نمیتوان اجتماعات و رژه کارگری مظهر قدرت و اراده طبقه کارگر را نه تنها در ایران، بلکه

اکنون دنیا با دو شرایط کاملاً متضاد اما بهم مربوط روبرو است. از یک سو چشمان گشوده شده؛ اذهان باز شده است؛ فریب و توهم به ته رسیده است. همه می دانند که این سرمایه داری است که می کشد، که قربانی می گیرد که گرسنگی می آورد. بسیاری خواهان تغییر شرایط هستند. بسیاری می خواهند از شر سرمایه داری همراه با کرونا خلاص شوند. این یک طرف ماجرا است. طرف دیگر بورژوازی است که با دولت و ارتش و پلیس اش در حال آماده باش است. بورژوازی بخوبی آگاه است که ذره ای اعتبار ندارد. می داند که دولت هایش و ایدئولوگ هایش ته مانده اعتبارشان را از دست داده اند و لذا فعلاً تحت کرونا مشغول چرب زبانی است، مشغول عقب نشینی و سازش های محدود است تا شرایط را برای هجوم پسا کرونا آماده کند.

دنیا بر سر دو راهی مهم و تعیین کننده ای قرار دارد. اردوی کار و آزادیخواهی و برابری طلبی یا خود را برای هجوم همه جانبه به سرمایه داری و دولتش آماده می کند، تحت کرونا می کوشد تا همبستگی و اتحاد خود را افزایش دهد تا دروغ ها و فریب های بورژوازی را افشاء می کند، تا خود را بمثابه یک پیکر منسجم و آماده سازد یا باید به جهنمی سیاه تر از پیش تسلیم شود. راه دیگری وجود ندارد. این دو راهی در مقابل طبقه کارگر و جنبش های آزادیخواه و برابری طلب در کل جهان قرار گرفته است. شرایط ایران دارای ویژگی هایی است که شرایط مبارزه طبقاتی را تا حدودی برفع طبقه کارگر و اردوی آزادیخواهی و برابری طلبی تسهیل می کند. جامعه ایران بیش از دو سال است که در انتهایی عمیق قرار گرفته است. خیزش عظیم توده ای دیمه ۹۶ و گسترش مبارزات طبقه کارگر و عروج طبقه کارگر و رهبران آن و پس از آن خیزش آبانماه جامعه را برای ایده های چپ و کمونیستی شخم زده است. جامعه برای تغییرات پایه ای و بنیادی به میدان آمد و توازن قوای طبقاتی بمراتب تغییر کرده است.

ایران در چنین شرایطی وارد بحران کرونا شد. کرونا مردم را بیدار و هشیار نکرد؛ چون فی الحال آگاه شده بودند و در تلاش بودند تا آگاهی شان را متحقق کنند. اکنون کرونا وقفه ای در مبارزات مردم ایجاد کرده است. بعلت شرایط بحرانی مردم نمی توانند تجمع کنند و به اعتراضات خود ادامه دهند؛ قادر نیستند دست به تجمعات اعتراضی و تظاهرات بزنند. هر چند که در شرایطی حتی تحت کرونا نیز دست به اعتراضات جمعی زده اند. واکنش های مردمی به مساله کرونا و لاقیدی رژیم قابل توجه است. همبستگی عمیق و تلاش برای گرفتن کنترل بدست خود یک بروز مهم و جدی آگاهی و آمادگی ای است که در بالا به آن اشاره شد. اگر چه کرونا در اعتراضات توده ای وقفه ایجاد کرده است، در روحیه اعتراضی و در وحدت طلبی و همبستگی مردم نه تنها وقفه ای ایجاد نشده بلکه تحت کرونا نیز بروز یافته و اشکال جدید را سریعاً پذیرفته است. اینها تماماً فاکتورهای مثبت جامعه ایران برای دنیای پسا کرونا است. دولت اگر چه وحشی و جنایتکار است؛ اگر چه از نزدی و جنایت دست بر نمی دارد، اما قدر قدرت نیست. بخوبی به موقعیت تضعیف شده اش آگاه است و دارد خود را برای دنیای پسا کرونا آماده

## کارگران کمونیست و اول مه

### با ہیئت اجرائی حزب ...



فعالین کارگری خود نقش مهمی در سازماندهی این حرکت داشته اند، و به همین دلیل میتوانند، در مناسبت اول مه به طور برجسته و عملی تری یاری رسانی مردمی و حمایت از این نهادها را سازمان دهند. همه ببینند در روز جهانی کارگر ابعاد همیاری کارگری و مردمی به خانواده های کارگری و مردم بی بضاعت بسیار برجسته و گسترده بوده است.

### آنچه در اول مه امسال باید طرح کنیم!

بالاتر اشاره شد، ادعای کارگری در فرمت قطعنامه و یا بیانیه قاعدتا توقعات و انتظارات جنبش کارگری را به روشنی مطرح میکند. امسال چنین ادعایمانه ای بیش از هر دوره ای میتواند زبان رسای طبقه کارگر علیه نظم و وارونه سرمایه داری باشد. بروز جهانی ماهیت ضد انسانی کاپیتالیسم در فاجعه کرونا فرصتی است که ادعای کارگری دست به ریشه ببرد و ترجیح سود پرستی این سیستم بر انسانیت را مستدل و با زبان آتشین و تعرضی بیان کند. امکان پذیری نظم آزاد و برابر سوسیالیستی و تضمین رفاه و سعادت برای بشریت را مستدل کند.

در شرایط مشخص کنونی جامعه ایران بر تامين فوری و بی اما و اگر معیشت همه شهروندان، بر تقابل با فقر و بیکاری پافشاری کند. اولتیماتوم جدی علیه اخراج و بیکارسازی را به دولت و کارفرمایان اعلام کند. برای مقابله موثر با شیوع ویروس کرونا بر تعطیلی کار با پرداخت کامل حقوق تاکید کند. بازگشت به کار (منهای کارهای اورژانس و حیاتی تعطیل ناپذیر) را توسط دولت سرمایه اسلامی محکوم و مردود اعلام کند. باید اعلام کرد مناطق، شهرها و امکان مخاطره آمیز قرنطینه شود. امکانات معیشتی و بهداشتی شهروندان مناطق قرنطینه شده، توسط دولت باید تامین شود.

در یک محور مهم ادعای کارگری امسال هم باید اعلام کرد، مقرری تعیین شده و چند بار زیر خط فقر تحت نام "حداقل دستمزد" از جانب کارگران و خانواده های کارگری محکوم و مردود است. صف همبسته کارگری علیه دستمزد زیر خط فقر و علیه فقر و بیکاری بر اتحاد و همبستگی سراسری پافشاری میکند.

واضح است در اول مه بر همبستگی انترناسیونالیستی طبقه کارگر جهانی تاکیدمان را باید بگذاریم. سیاست و اقدامات تفرقه افکنانه و نژادپرستانه و ضد انسانی دولت و کارفرمایان در برخورد به کارگران مهاجر افغانستانی و غیره از جمله اخراج و ندادن هیچ امکانی به آنها و عدم پذیرش در بیمارستانها را قویا محکوم کنیم.

و بالاخره با پزشکان و پرستاران و کارکنان در کادر درمان، با کارگران بخش خدمات، به کارگران آمبولانسها و حمل و نقل، به کارگران مراکز تولید مواد غذایی و بهداشتی که در صف اول نجات دهندگان جامعه جهانی اند، درود بفرستیم. در بحران کرونا نیز این انساندوستان و کارگرانند که ناجیان جهان هستند نه دولتها و سرمایه داران ضدانسان. این روزهای سخت خطر ویروس کرونا را پشت سر میگذاریم، خشم قدیم و جدید فروخورده مان علیه نظم سراپا ضد انسانی سرمایه را به جنبش قدرتمند، خودآگاه و سازمانیافته واژگون کننده نظم کاپیتالیستی تبدیل میکنیم. با اتکا به قدرت فعاله و خلاقه طبقه کارگر نظام سیاسی مبشر آزادی و برابری و رفاه و سعادت انسانها، جمهوری سوسیالیستی را بنیاد می نهیم. \*

در کشورهای دیگر هم برگزار کرد. این لطمه و محدودیت بزرگ تحمیلی بر گرامیداشت برجسته اول مه است، اما تاکید داریم، این پدیده موقت و تحمیلی امسال نباید اول مه را از ما بگیرد. نباید گذاشت اقدامات دیگر در تدارک اول مه فریز شود. مشاهده من اینست تحرکی در میان فعالین و نهادهای کارگری در داخل شروع شده، اما در فرصت یک هفته ای باقی مانده سرعت عمل بیشتری لازم است. در نتیجه فعالین کمونیست و رهبران و فعالین رادیکال و پیشرو کارگری و اجتماعی و جریانات کمونیست باید آستینها را بالا بزنیم، در این اوضاع پیچیده و پر از محدودیت، با ابتکارات و خلاقیت روز جهانی کارگر را با برجستگی گرامی بداریم. در این راستا امیدوارم شبکه ای از فعالین کارگری و اجتماعی معتبر و شناخته شده فراکارخانه ای و حتی شهری مشابه هیئت ها و کمیته های تدارک اول مه سالهای قبل در فرصت باقی مانده اقدامات لازم در سطح جامعه جاری کنند. واقعت اینست رهبران و فعالین کارگری بخشهای مختلف جنبش کارگری با هم آشنا هستند. از فعالین نیشکر هفت و فولاد تا هیکو و آذراب و بافق و پتروشیمی ها و پارس جنوبی، از فعالین این و یا آن نهاد کارگری مستقل میتوانند شبکه وسیع نئی نهاد تدارک اول مه امسال را سازمان دهند و همفکری و تبادل نظر و نهایتا تصمیم گیری را به سرانجام برسانند. از جمله ابتکارات قابل اجرایی را در دستور بگذارند. ما به سهم خود بر اقدامات زیر تاکید جدی داریم:

الف- تدوین قطعنامه سراسری کارگری به مناسبت اول مه در همین چند روز باقیمانده لازمست به نتیجه برسد و حتی قبل از روز اول مه انتشار یابد. چنین سندی میتواند محور همبستگی و اتحاد سراسری جنبش کارگری در اول مه امسال باشد.

ب- رهبران و فعالین و آژیتاتورهای کارگری با استفاده از مدیای اجتماعی سخنرانی و میزگرد و آژیتاسیون در معرفی اول مه، در نقد و تعرض به سرمایه داری که اکنون ماهیت ضد انسانی آن زبانزد خاص و عام است در همین مدت و در روز اول مه سازمان دهند. سیاست کارگری در قبال اوضاع کنونی و خواستههای فوری کارگران را طرح کنند.

ج- از هم اکنون و به ویژه در روز اول مه میتوان چهره شهرها را با نصب بنر و تراکت و شعار نویسی به صحنه معرفی روز کارگر تبدیل کرد. میتوان ورود و خروج شهرها، میدانی اصلی و محلهای شناخته شده اجتماع و عبور مردم، پارکها و تفریحگاهها را با بنرهای بزرگ "زنده باد اول مه، روز جهانی کارگر" و تراکتهای مناسب این روز آذین بندی کرد. با سازماندهی تیمهای دو سه نفره و با رعایت همه استانداردهای پزشکی و سلامتی مقابله با خطر کرونا اینکارها را میشود، سازمان داد.

د- در مناسبت اول مه همکاری با نهادهای همیاری مردمی مقابله با ویروس کرونا در سطح محلات و شهرها را میتوان سازمان داد. نهادها و کمیته های همیاری با گستردگی در سطح شهرها شکل گرفته است.

## پاندمیک کرونا و دوراهی نظم نوین جهانی

بخش پنجم و پایانی

جمال کمانگر

پاندمی کرونا و مطلوبیت راه حل سوسیالیستی

پاندمی کرونا ضعف رژیمهای پوپولیست و راست افراطی را از واشنگتن تا دهلی نو و سائوپولو و بوداپست و بریتانیا را در معرض دید همگان قرار داده است. هرچند نمیتوان گفت که ترامپ مثل سایر دیکتاتورهایست، اما تمایلات استبدادی در وی موج میزند. ترامپ ممکن است که مانند کیم جون اونگ مشاورینش را به توپ بیند یا آنها را جلوی سگهای گرسنه نیندازد اما با یک تئویت صبحگاهی آنها را برکنار و انتقاد از عملکردش را تحمل نمیکند!

آینده نظم جهانی بعد از پاندمیک کرونا هنوز نامعلوم است، آمریکا در جریان بحران کنونی ناکارآمدی خود را به وضوح نشان داده است. ایالات متحده قبل از بحران کرونا پروسه خروج از سازمانهای بین المللی را که در دوران جهان دوقطبی و جنگ سرد، مایه افتخار "بازار آزاد" در مقابل سرمایه داری دولتی بلوک شرق بود، شروع کرده است. آخرین مورد قطع موقت کمکهای مالی آمریکا به سازمان بهداشت جهانی در بحبوحه بیماری همه گیر کووید-۱۹ که نزدیک به سه میلیون نفر را مبتلا و طبق آمارهای رسمی دولتها، حدود دویست هزار نفر جان خود را از دست داده اند. در مقابل افول آمریکا، چین با قدرت مالی و تکنولوژی که دارد داعیه سهم برابر از نظم جهانی را دارد!

بحران کرونا خاتمه مینماید. اما سرمایه داری نمیتواند رکود و بحران اقتصادی گریبانگیرش را پنهان کند. شواهد تاکنونی نشان میدهد که رکود و بحران اقتصادی کنونی شانه به شانه سقوط بزرگ اقتصادی ۱۹۲۹ میزند. به نظر میرسد ما با شرایطی مانند دهه بیست قرن گذشته روبرو هستیم! دهه ای که رقابت قدرتهای کوچک و بزرگ بر سر تصرف بازارهای اقتصادی منجر به ظهور امثال هیتلر و موسولینی و دامن زدن به فاشیسم در جهان شد. در همان حال دهه ای که باعث عرج کمونیسم اردوگاهی شد.

"رابرت وودز" از بانک مرکزی آمریکا در باره بحران اقتصادی کنونی گفت: "این بحران فقط شوک ناشی از عدم تامین عرضه سه ماهه نیست که از بین برود، بلکه بنگاهها با سر به زمین میخورند و شرکتها نمیتوانند نیروی کار خود را حفظ کنند و از بین میروند."

نظم سرمایه داری در جریان این بحران نشان داد که جان انسانها عدد و ارقامی بیش نیستند. هزاران نفر انسان بی دفاع و تنها در سرای سالمندان به مرگ تدریجی بر اثر ویروس کرونا محکوم شده اند. حتی کار به جایی رسیده است که آمار مرگ و میر آنها را مخفی نگه داشته اند. نظام بهداشت و درمان در این کشورها ناکارآمدی خود را نشان داده است. دهها تریلیون دلار از دسترنج طبقه کارگر جهانی سالانه صرف ساز و

برگ نظامی برای کشتار انسانها میشود، در حالی که بدلیل عدم سرمایه گذاری و صرف هزینه کافی برای مقابله با بیماریهای عفونی، جهان به تعطیلی کامل کشیده شده است. پاندمی کرونا نه تنها راه حل سوسیالیستی بحران را به مسئله بخش زیادی از مردم جهان تبدیل کرده است بلکه روی

میز مشاورین نظام سرمایه داری هم گذاشته است. "امبروس ایوان" سردبیر بخش بین الملل "بیزینس" روزنامه دیلی تلگراف در مقاله ماه مارس خود خطاب به بوریس جانسون نخست وزیر محافظه کار انگلستان نوشت: "بوریس برای حفظ بازار آزاد، موقتا سوسیالیسم را باید در آغوش بگیرد." وی در ادامه مطلبش نوشت: "برای جلوی گیری از سوسیالیسم ما موقتا باید سوسیالیسم شویم، ما هر اندازه نیاز بازار است باید خرج کنیم تا بازار آزاد حفظ شود."

ما در برنامه "یک دنیای بهتر" ادعانامه سوسیالیستی خود را علیه نظام سرمایه داری و با تاکید بر راه حل سوسیالیستی برای اوضاع کنونی را چنین بیان کرده ایم:

"با اندک تعمقی میتوان دید که چگونه جهان سرمایه داری جهانی وارونه است. رابطه میان کالاها مبنای رابطه میان انسان هاست. تلاش عظیم و هر روزه بشریتی که کار میکند و جهان را میسازد، خود را در سلطه روزافزون سرمایه بر هستی اش مجسم میکند. انگیزه فعالیت اقتصادی، تولید مایحتاج انسان ها نیست، بلکه سود آوری سرمایه است. رشد روزافزون تکنولوژی و دانش علمی و فنی که کلید سعادت و رفاه انسان است، در این نظام به بیکاری و محرومیت هرچه بیشتر صدها میلیون کارگر ترجمه میشود. در جهانی که نهایتا بر دوش تعاون و تلاش جمعی ساخته شده است، رقابت سلطنت میکند. آزادی اقتصادی فرد جامه ای است که بر ناگزیری حضور هر روزه اش در بازار کار پوشانده اند، آزادی سیاسی فرد، بی حقوقی و بی تاثیر سیاسی واقعی اش را میپوشاند و به دولت و حاکمیت سیاسی طبقه سرمایه دار مشروعیت میبخشد. قانون، اراده و منفعت طبقه حاکم است که بصورت مقرراتی برای همه وضع شده است. از عشق و انسانیت تا حق و عدالت، از هنر و خلاقیت تا علم و حقیقت، مقوله ای در جهان سرمایه داری وجود ندارد که مهر این وارونگی را بر خود نداشته باشد. این دنیای وارونه را باید از قاعده اش بر زمین گذاشت. این کار کمونیسم کارگری است. این هدف انقلاب کمونیستی طبقه کارگر است.

محور اساسی انقلاب کمونیستی، لغو مالکیت خصوصی بر وسائل کار و تولید، و تبدیل آن به دارایی جمعی کل جامعه است. انقلاب کمونیستی به تقسیم طبقاتی جامعه خاتمه میدهد و نظام مزد بگیر را از میان برمیدارد. بازار، مبادله کالایی و پول حذف میشوند. بجای تولید برای سود، تولید برای رفع نیازهای همه مردم و برای رفاه هرچه بیشتر همه انسان ها میشوند. کار، که در جامعه سرمایه داری برای اکثریت عظیم مردم تکاپویی ناگزیر و چشم بسته و فرسوده کننده برای امرار معاش است، جای خود را به فعالیت خلاق و داوطلبانه و آگاهانه مردم برای هرچه غنی تر کردن زندگی انسانی میدهد. هرکس، به

برابری شان و ارزش همه در پیشگاه جامعه.

## پاندمیک کرونا و دوراهی نظم نوین جهانی

### بخش پنجم و پایانی ...

اعتبار انسان بودن و چشم گشودن به جامعه انسانی، به یکسان از کلیه مواهب زندگی و محصولات تلاش جمعی برخوردار خواهد بود. از هرکس به اندازه قابلیتش و به هرکس به اندازه نیازش، این یک اصل اساسی جامعه کمونیستی است.

نه فقط تقسیم طبقاتی، بلکه تقسیم حرفه ای انسان ها از میان می‌رود. کلیه قلمروهای فعالیت خلاقه بر روی همگان باز میشود. شکوفایی هر فرد به شرط شکوفایی جامعه بدل میشود. جامعه کمونیستی جامعه ای جهانی است. مرزهای ملی و کشوری محو میشود و جای آن را هویت جهانشمول انسانی می‌گیرد. جامعه کمونیستی جامعه ای است بدون مذهب، بدون خرافه، بدون ایدئولوژی و بدون زنجیر سنن و اخلاقیات کهنه بر اندیشه آزاد انسان ها.

از میان رفتن طبقات و تضاد طبقاتی، دولت را به پدیده زائیدی تبدیل میکند. در جامعه کمونیستی دولت زوال پیدا میکند. جامعه کمونیستی جامعه ای است بدون دولت. امور اداری جامعه از مجرای تعاون، همفکری، ارتباط و تصمیم گیری جمعی کلیه اعضاء جامعه حل و فصل میشود.

جامعه کمونیستی به این ترتیب برای نخستین بار به آرمان آزادی و برابری انسان ها به معنی واقعی کلمه عمل می‌پوشاند. آزادی، نه فقط از ستم و سرکوب سیاسی، بلکه از اجبار و انقیاد اقتصادی و از اسارت فکری. آزادی در تجربه ابعاد مختلف زندگی و در شکوفایی خلاقیت ها و عواطف والای انسانی. برابری، نه فقط در برابر قانون، بلکه در بهره مندی از امکانات مادی و معنوی جامعه.

جامعه کمونیستی یک آرزو و یک مدینه فاضله خیالی نیست. تمام شرایط پیدایش چنین نظامی، در دل همین جهان موجود سرمایه داری فی الحال فراهم شده اند. توان علمی، تکنولوژیکی و تولیدی انسان امروز چنان ابعاد عظیمی پیدا کرده است که پی ریختن جامعه ای معطوف به رفع نیازها و تامین آسایش همگان کاملاً مقدور است. انقلابات الکترونیکی و انفورماتیک دهه های اخیر و تحولات شگرف در ابزارها و روش های ارتباطاتی و اطلاعاتی سمعی و بصری، سازمان دادن یک جامعه جهانی و شرکت همگانی در طراحی و برنامه ریزی و اجرای امور گوناگون جامعه را پیش از پیش میسر ساخته است. بخش عظیمی از این توان تولیدی هم اکنون یا به اشکال مختلف به هدر داده میشود و یا عامدانه مصروف ممانعت از بکار بستن این امکانات در خدمت رفع نیازهای بشر میشود. اما علیرغم همه عظمت امکانات مادی جامعه، پشتوانه اساسی جامعه کمونیستی را نیروی خلاقه و زنده میلیاردها انسانی تشکیل میدهند که از اسارت طبقاتی، از بردگی مزدی، از اسارت معنوی و از خود بیگانگی و از حقارتی که نظام موجود به آنها تحمیل میکند رها میشوند. انسان آزاد، ضامن تحقق جامعه کمونیستی است.

سرمایه داری خود آن نیروی عظیم اجتماعی را که میتواند این افق رهائی بخش را عملاً متحقق سازد شکل داده است. قدرت شگرف سرمایه که در مقیاس جهانی گسترده است، انعکاس قدرت یک طبقه کارگر جهانی است. جامعه کمونیستی محصول انقلاب کارگری برای خاتمه دادن به نظام بردگی مزدی است. به این اعتبار انقلاب کارگری انقلابی اجتماعی است که بناگزییر کل بنیاد مناسبات تولید را دگرگون میکند. طبقه کارگر، برخلاف کلیه طبقات فرو دست در تاریخ پیشین جامعه بشری، نمیتواند آزاد شود بی آنکه کل بشریت را آزاد کند. جامعه کمونیستی اتویی نیست، بلکه محصول و هدف مبارزه یک طبقه عظیم اجتماعی علیه سرمایه داری است. مبارزه ای زنده و واقعی و جاری، که به قدمت خود جامعه بورژوایی است".

پایان

## کار را متوقف می کنیم!

### آینده از آن ماست، دستجمعی خودکشی نمی کنیم!

کار را تعطیل کنیم. خانه بمانیم و سر کار نرویم. ما کارگران و کارکنان اسیر فقر و فلاکت ایم، اما دستجمعی خودکشی نمی کنیم. وضعیت ویژه نیازمند اقدامات ویژه است. در اوضاع کنونی، سازمان کار جامعه باید حداقلی، اورژانسی و پاسخ به نیازهای ضروری باشد. ما کارگران مراکز تولیدی و کارکنان مراکز اداری و خدماتی، بدون تست مرتب و بدون برخورداری از نیازهای پزشکی حاضر نیستیم در محلهای کار حضور پیدا کنیم. دولت و کارفرمایان متعهد و موظف به تامین نیازهای ضروری، پرداخت حقوق ها، تامین سلامت و بهداشت محیطهای کار هستند. کار را متوقف می کنیم!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

**برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شؤون اجتماعی!**



## مرگ آرمن ایزد پناه بر اثر کرونا در زندان

### جان زندانیان سیاسی در خطر است

با کمال تأسف آرمن ایزد پناه، زندانی سیاسی بند ۲۰۹ زندان اوین از بیماری کرونا درگذشت. وی در شهریور ماه ۹۶ در خانه اش دستگیر شده بود و در انتظار محاکمه بسر می برد. جمهوری اسلامی علیرغم درخواستهای مکرر خواهر آرمن که نگران سلامت برادرش بود و علیرغم نشان دادن علائم بیماری کرونا با مرخصی او موافقت نکرد. آرمن جان خود را از دست داد بخاطر اینکه در شرایط ضد انسانی محبوس شده بود و از امکانات درمانی بی بهره ماند. بهداری زندان او را نپذیرفته بود و او را در سلول انفرادی به حال خود رها کرده بودند. آرمن عملاً توسط رژیم جنایتکار اسلامی اعدام شد.

جمهوری اسلامی از آزادی و حتی مرخصی موقت زندانیان سر باز می زند. این رژیم فاسد و دزد و جنایتکار به کرونا بعنوان یک "موهبت الهی" مینگرد که دارد گرسنگان و بیکاران و زندانیان را قتل عام می کند. علیرغم اعتراضهای مکرر خانواده های زندانیان سیاسی و تجمع در مقابل زندانها بخاطر نگرانی از وضعیت عزیزانشان؛ علیرغم مرگ چندین زندانی بر اثر کرونا در زندانهای مختلف؛ تلاش زندانیان در چندین زندان برای فرار از این شرایط دهشتناک؛ زندانیان را در شرایطی بسیار غیربهداشتی و ناامن و در سلولهایی که چندین برابر ظرفیت زندانی در آنها وجود دارد نگاه داشته است. کشتن زندانیانی که در هراس از جانشان دست به فرار زده اند و اعدام زندانیانی که موفق به فرار ولی دوباره دستگیر شدند، بخشی از پرونده سیاه رژیم اسلامی در این روزهای سیاه کرونا است. جمهوری اسلامی عملاً دارد زندانیان را اعدام می کند. جان زندانیان در خطر است.

باید جمهوری اسلامی را در داخل و خارج تحت فشارهای اعتراضی برای آزادی و یا مرخصی زندانیان قرار دهیم. این کیس ها را بعنوان قتل عمد با ویروس کرونا، اعدام صحرانی و بدون محاکمه باید تلقی کرد. این تلاشی آگاهانه برای قتل زندانیان است. خانواده های زندانیان، نهادهای کارگری و اجتماعی میتوانند و ضروری است در این زمینه دست به اقدام بزنند. در خارج کشور، میتوان این کیس ها را بعنوان شکایت علیه جمهوری اسلامی از طرق مختلف و موثر طرح کرد و رژیم اسلامی را وادار به آزادی زندانیان کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست به خانواده و عزیزان آرمن ایزد پناه صمیمانه تسلیت میگوید و مردم آزادیخواه را فرامیخواند که برای آزادی زندانیان از چنگال این رژیم جنایتکار دست به اعتراض زنند. این جانبان را باید بجرم جنایت علیه بشریت محاکمه کرد. آن روز دور نخواهد بود.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۳۱ فروردین ۱۳۹۹ - ۱۹ آوریل ۲۰۲۰

## اطلاعیه کمیته کردستان در رابطه با اعدام زندانیان؛

جمهوری اسلامی در اوج استیصال و ورشکستگی اقتصادی و سیاسی دست به قتل عام زندانیان بیدفاع در سیاهچالهای خود زده است. دیروز در سقز نوجوانی را به چوبه دار سپرد و قصد اعدام تعداد بیشتری را دارد. جان زندانیان در ایران و در بحران کرونا در خطر است. جمهوری جنایت و اعدام قصد انتقام گیری آبان و آذر ماه را دارد. چه موقعیتی بهتر از امروز و وحشت جامعه از ویروس مرگبار کرونا؟

طبق اخبار منتشرشده فردا سوم اردیبهشت جلادان جمهوری اسلامی قصد به اجرا درآوردن حکم اعدام لقمان احمدی و سعید محمدی فرد را دارند.

در مقابل اعدام و قتل زندانیان بیدفاع باید ایستاد! دولت روحانی از جواجویی به کمترین خواستها و توقعات مردم در مانده است، هیچ نیازی از نیازهای مردم را نمیتواند پاسخ بدهد! تامین ساده ترین نیازهای ابتدایی مردم را با وعده و وعید میخواهد از سر بگذراند. تا دیروز نان سفره کارگر و مردم زحمتکش را با نپرداختن حقوقهایشان گرو گرفته بود و امروز کمر به قتل بیدفاع ترین انسانهای جامعه بسته است. حتی در موقعیت کرونا و وحشت از کرونا نباید در مقابل این تعرض وحشیانه ساکت بود. نباید بی تفاوت شاهد قتل زندانیان بود.

مردم!

به هر شکل ممکن و با هر امکانی که دارید و برایتان ممکن است صدای زندانیان در معرض اعدام و خانواده های آنان باشید. به جمهوری اسلامی اجازه ندهیم زندانیان را در سکوت و سکون فاجعه کرونا به قتل برساند. مانع تکرار قتل عام دهه شصت بشویم. هدف اعدام و دستگیرهای هر روزه در شهرهای مختلف از تهران و شیراز و اهواز تا سنج و سقز زهر چشم گرفتن از جامعه و ایجاد وحشت و هراس در میان احاد مردم است. اجازه ندهیم جمهوری اسلامی به این هدف کثیف خود برسد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۱ آوریل ۲۰۲۰

## کلیه زندانیان سیاسی بدون

## تعلل و فوراً آزاد باید گردند!

اعدام قتل عمد دولتی است!

علیه اعدام و حکومت اعدام اعتراض کنید!



برای خلاصی از جهنم جمهوری اسلامی بسیار برجسته بود.

اول ماه مه نزدیک است. با خواست معیشت برای همه تا بهداشت و درمان رایگان، امنیت شغلی و بیمه های اجتماعی، دستمزد برابر برای زن و مرد بمیدان بیابیم و راه سوم را به مردم ابلاغ کنیم. جنبش زنان متحد طبیعی

جنبش کارگری بوده و هست چرا که دستاوردهای طبقه کارگر خواستهای زنان را هم میپوشاند. معیشت، بیمه بیکاری، بیمه بهداشت و درمان، تحصیل رایگان، بیمه سانحه و مرگ، دستمزد برابر برای زن و مرد، افزایش دستمزدها براساس جوابگوئی به یک زندگی شایسته انسان، مراقبت از سالمندان با مسئولیت کامل دولت، بیمه سالمندی و بسیاری خواستهای دیگر در قطعنامه های هر ساله کارگران اکثریت جامعه را تامین میکنند. اینها گوشه هایی از برنامه فوری یک دولت سوسیالیستی است، اما پافشاری و گرفتن این خواستها همین الان هم ممکن است. باید دولتهای وقت را موظف به اجرای آن کرد، کما اینکه در بخشی از جهان به یمن سالها مبارزات کارگران و جنبشهای دیگر به دولتهای سرمایه داری تحمیل شده است.

حضور جنبش آزادی و برابری زنان در دفاع از حق کارگران در چند ساله اخیر چشمگیر بوده است. سخنگویان و فعالین شناخته شده ای از جنبش زنان در مقام رهبری در اعتراضات کارگری ظاهر شده اند. بسیاری از آنها زیر تیغ زندان و شکنجه و تهدید رفته اند. اینها نشانه های بارزی از اتحاد و یکپارچگی نیروهای متحد طبقه کارگر برای انقلاب آتی در ایران هستند. تدارک برای انقلاب سوسیالیستی به رهبران زن از جنبش آزادی و برابری احتیاج حیاتی دارد. صفوف اعتراضات و مراسمهای اول ماه مه باید همه جا، از محلات، محیطهای کار، کارگاهها، مدارس و دانشگاهها تا بیمارستانها و زنان خانه دار دعوت کند که به صف سوم، صف کارگران، صف متحدین و جنگجویان علیه نظم موجود بپیوندند. زنده باد اتحاد جنبش کارگری، جنبش آزادی و برابری زنان! زنده باد اول ماه مه!

\*\*\*

## زنده باد شوراها!

**ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا برپا کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!**

## اول ماه مه و جنبش برابری زن و مرد

### هاله طاهری

جهان پس از پاندمیک کرونا معمای حل نشده بزرگی است اما بحرانی عظیم و باورنکردنی در پیش است. در نبود فوری یک آلترناتیو سوسیالیستی و بشردوستانه و عدم خیزشهای انقلابی سهم همیشگی مردم ویرانی و فقر و فلاکت بیشتر خواهد بود. سیاستمداران بورژوا امثال ترامپ و بوریس جانسون در دنیای غرب و جلادان خرافه و جهل در جهان اسلامزده، فجایع هولناکی را برای مردم خواب دیده اند. قربانیان بحران کنونی کارگران، بیکاران، کم درآمدها، افراد به لحاظ جسمی ناتوان و بدون شک زنان خواهند بود. با عروج دولتهای راست و فاشیستی در سراسر جهان و قدرتگیری گله های اسلامی از جمله در ایران آخرین دستاوردهای مردم به یغما برده میشوند. مساجد، این مظهر پوسیدگی و تعفن با بیرق های زهرآگین زن ستیزانه بردگی مطلق را به زنان تحمیل خواهند کرد.

زنان کارگر، زنان کارکن بطور وسیعی به صف بیکاران رانده میشوند. ترویج مدلهای "زن سنتی - ترید وایف در اصطلاح غربی"، الگوسازی از مادر و همسر خانه دار نمونه جای زن مستقل و حق طلب را میگیرد. ازدیاد قراردادهای موقت و سفید، اخراج به بهانه مادر شدن، شیردادن به کودک و ازدواج کردن به لیست کارفرمایان اضافه میگردد. اعتراض به دستمزد ناچیز با تهدید اخراج و زندان روبرو خواهد شد. شرایط نامناسب و خطرناک و غیر بهداشتی محیط های ناامن کار در کنار اذیت و آزار جنسی در محیط کار توسط کارفرما و پلیس و مسئولین هنوز نمیتواند پایان فاجعه باشد. زنان متخصص با حقوقهای ناچیز به موقعیتهای بسیار پائین تر دعوت بکار میشوند. کارگران نامرئی در بازار سیاه در محیط کارهای بی نام و نشان چند برابر میشوند که بخش وسیعی را زنان فقیر، مادران تک سرپرست خانواده تشکیل میدهند. مرگ و میر زنان و دختران جوان زیر نام قتل ناموسی، تجاوز، اعتیاد، جنون و خشونت خانگی اوج میگردد. زنان خانه دار زیر فشار کمرشکن مالی خانواده چند برابر باید کار کنند و با جسم نیمه زنده و گاهی با اذیت و آزار جنسی شبهای تاریک زندگی شان را پایان میرسانند.

چند برابر زیر خط فقر زندگی کردن از همین حالا به خانواده های کارگران، بیکاران و محرومان جامعه ابلاغ شده است. خودشان را برای تار و مار کردن صفوف اعتراضات کارگران، درهم شکستن اتحاد جنبشها، دستگیری فعالین زن و دانشجویان مبارز و هر صدای حق طلبانه ای آماده میکنند. جمهوری اسلامی دوراهی خطرناکی را جلوی پای مردم گذاشته است: یا مرگ با سونامی کرونا و قطعی یا تن دادن به سلطه سرمایه داری افسار گسیخته! عبور از تونل مرگ یا این یا آن. اما هیچ جامعه ای بدون جنگ تسلیم نمیشود. همیشه راه سومی هم هست. راه سوم راه اتحاد جنبشهای کارگری، جنبش زنان و افشار محروم جامعه برای مقابله و سرنگونی این رژیم است. کاری که قبل از سونامی کرونا داشت بسرانجام میرسید و نقش طبقه کارگر و جنبش آزادی و برابری زنان در بسرانجام رساندن این آرزوی دیرین مردم

## اعتراض به حداقل دستمزدهای ۹۹ یا

### کمپین دفاع از خانه کارگر؟

سیاوش دانشور

بیانیه ای با عنوان "اعتراض به مصوبه ی غیرقانونی حداقل دستمزد، مطالبه لغو آن و برقراری مذاکرات برای رسیدن به مزد عادلانه" منتشر شده و تاکنون با بیش از شش هزار امضای حمایت روبرو شده است. این یادداشت انتقادی به سیاست و خط مشی حاکم بر این بیانیه است که بنظر من در اساس اعاده حیثیت از خانه کارگر و خط قانونگرایی و دفاع از محبوب ها بعنوان "نمایندگان کارگران" است. این موضوع بسیار فراتر از بحث حداقل دستمزدها است و تلاشی عبث برای تحمیل یک عقب نشینی سیاسی به جنبش کارگری زیر پرچم "واقعگرایی" است.

بیانیه به "مصوبه غیرقانونی" حداقل دستمزد اعتراض دارد و خواهان لغو این مصوبه با "برقراری مذاکرات برای رسیدن به مزد عادلانه" است. سوال اول اینست که طی چهاردهه گذشته کدام مصوبه حکومت از نظر کارگران "قانونی" بوده است؟ قانون، چیزی جز انعکاس اراده طبقه حاکم نیست. قانون برای کارگر قانون نوشته شده نیست بلکه اساساً قانون نوشته یعنی تناسب قوای طبقاتی است. در ایران، نگرش نوع دو خردادی - اصلاح طلبی اسلامی همواره با اعتراض به "عدم وجاهت قانونی" این و آن مصوبه به میدان آمده است. این بیانیه همان خط ورشکسته را دنبال میکند. نکته دوم اینست که علیرضا محبوب اولین کسی بود که اعلام کرد "اعتراض دارد" و خواهان "اصلاح این مصوبه" و "مذاکرات مجدد" شد. این مذاکرات مجدد مورد نظر بیانیه قرار است توسط چه کسانی صورت گیرد؟ محبوب و شرکا در خانه کارگر و شوراهای اسلامی؟ اینها که سازمانهای پلیسی و ضد کارگری در میان کارگران هستند، چطور با یک چرخش قلم به "نمایندگان کارگری" ارتقا یافتند؟ آیا تاکنون بند و بست اینان با دولت و کارفرمایان سر سوزنی به "مزد عادلانه" منجر شده است تا این دومین اش باشد؟ این توهم پراکنی به ارتجاعی ترین سازمانهای دست ساز رژیم میان کارگران و قالب کردنش بعنوان "نمایندگان کارگران" زیادی شور و خیلی از اوضاع جامعه عقب است.

نکته دوم بیانیه دفاع از سه جانبه گرایی و جا انداختن نمایندگان رژیمی تحت عنوان "نمایندگان کارگری" است. به آنها مدال میدهد که نظرشان "جلب نشده" و از شجاعت شان برای عدم امضای مصوبه دستمزد در پایان بیانیه قدردانی میکند! "ما ضمن ابراز تشکر از عملکرد نمایندگان کارگری جلسه، خواستار برقراری مجدد مذاکرات مزدی و تعیین دستمزد بر اساس محاسبات سبب معاش هستیم!!"

و یا بیانیه خواهان "اصلاح" سیستم سه جانبه گرایی و بالا بردن وزن کارگران در آن یعنی همین حضرات ضد کارگر است: "اصلاح اساسی ساختار شورای عالی کار و بالا بردن وزن کارگران در این ساختار، یک مطالبه اساسی است که در این برهه زمانی همه کارگران و بازنشستگان بر سر آن توافق دارند".

اولاً، این ادعا که اصلاح ساختار شورای عالی کار، "در این برهه زمانی همه کارگران و بازنشستگان بر سر آن توافق دارند"، یک ادعای بی پایه و جعل واقعیت است. کارگران و فعالین کارگری خواهان اصلاح "سه جانبه گرایی" و اینجا "اصلاح ساختار شورای عالی کار" نیستند. سه جانبه گرایی در اروپا بدرجه ای واقعی است، مثلاً دولت لاقفل در صورت ظاهر بیطرف ظاهر میشود و مذاکرات بر سر دستمزدها بین اتحادیه های کارفرمایان و اتحادیه های کارگری است. دولت وقتی وارد عمل میشود که مذاکرات بی نتیجه میماند و یا کارگران بیرون قوانین اتحادیه دست به اعتصاب میزنند. دولت این نوع اعتصابات را بعنوان "اعتصاب وحشی" سرکوب میکند. کارگران رادیکال در غرب اساساً این مکانیزم را برسمیت نمی شناسند. ثانیاً، "شورای عالی کار" یک نهاد تماماً کارفرمایی - دولتی است و باصطلاح "نمایندگان کارگران" در آن تاریخاً سازمانهای پلیسی میان کارگران یعنی همان خانه کارگر و شوراهای اسلامی بودند که تنها کارشان شناسائی کارگران پیشرو در مراکز کارگری و همکاری اطلاعاتی با کارفرماها و حراست و پلیس سیاسی بوده است. "شورای عالی کار" رژیم اسلامی کمترین تشابهی با سه جانبه گرایی "آی ال او" ندارد. ثالثاً، کارگران پیشرو همان سه جانبه گرایی را نیز قبول ندارند و بحث شان ایجاد سازمانهای کارگری مستقل از دولت است که باید بعنوان نمایندگان منتخب کارگران در کلیه مذاکرات با کارفرما و دولت حضور داشته باشند. رابعاً، کارگران در چهار دهه گذشته هیچوقت در تعیین دستمزدها بدلیل فقدان تشکل های واقعی کارگری و مستقل از دولت حضور نداشتند و همواره مصوبه دولت را مردود دانسته اند. خامساً، حتی اگر تمام طبقه کارگر ایران یکجا و پشت به پشت هم روی این بیانیه مهر و امضا بگذارد، این بیانیه تیر به پای طبقه کارگر میزند و سیاستی ضد کارگری است.

این بیانیه تلاشی سیاسی است که اساساً به دستمزد مربوط نمیشود بلکه در فضای کرونا و فقر و فلاکت کارگران از خط اصلاح طلبی اسلامی و بازی جناح ها از دریچه دستمزد دفاع میکند و در این میان مشخصاً از خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار و کسانی که بعنوان "نمایندگان کارگران" در این شورای کذائی حضور بهم میرسانند، دفاع میکند. هدف این بیانیه اینست که تمایلات رادیکال و شورائی وسیع در جنبش کارگری را عقب براند، فضا را بنفع جریانات راست شبه سندیکالیست و کسانی که با خانه کارگر و شوراهای اسلامی تعامل دارند مناسب کند. این بیانیه اهدافش بسیار فراتر از مسئله حداقل دستمزد است. ربطی به شرایط مشخص و بحث رابطه اصلاحات و انقلاب ندارد. کسانی که از مجاهدت عدم امضای یک مصوبه جنایتکارانه دولتی ها و کارفرمایان توسط شرکایشان دفاع میکنند، یا آگاهانه یا ناآگاهانه بدام تله ای افتادند که امثال محبوب و خانه کارگر برای وقت خریدن و ایجاد سیاست انتظار در میان کارگران پهن کردند. از روحانی و رئیسی تا محبوب صریحاً وحشت شان را از خیزش سی میلیونی گرسنگان و اعتراض توده ای علیه فقر و فلاکت بیان میکنند. حالا اگر کارگران در انتظار مجاهدتهای "نمایندگان کارگری" بنشینند تا به "دستمزد عادلانه" برسند، چه بهتر!

یک تاکید اینجا ضروری است. نه فقط کمونیستها که در مبارزه برای اصلاحات و بهبود شرایط کار و دستمزد و رفاه و حقوق کارگر درگیرند و بین اصلاحات و انقلاب رابطه مادی و ملموسی برقرار میکنند، بلکه هر کارگری، هر کسی که چهار روز کار مزدی کرده باشد، میداند که دستمزد بیشتر بهتر از دستمزد کمتر است، میداند داشتن بیمه بهتر از نداشتن آنست، میداند قرارداد ایمن تر بهتر از صد نوع

## اعتراضی به حداقل دستمزدهای ۹۹ یا

### کمپین دفاع از خانه کارگر؟ ...

قرارداد و ناامنی دائمی شغلی بعنوان ابزاری در دست سرمایه دار است، میدانند حتی اضافه کردن یک لیوان شیر به سفره کارگر مهم است. اما نه کمونیسیت ها و نه کارگران پیشرو در این توهم هیچوقت شریک نمیشوند که چون شرایط امروز کرونایی است، چون فلاکت اقتصادی به اوج رسیده است، چون مویی از خرس غنیمت است، باید به تمجید کارفرمایان و خانه کارگر و سرکوبگران پرداخت و یا "در این برهه" از آن حمایت کرد. کسانی که دفاع از حکومتی ها و خنجر زدن به کمر کارگران را با تقابل با "سوپر انقلابیگری" و بحث "داخل و خارج" توجیه میکنند، نمیتوانند از این واقعیت فرار کنند که این بیانیته تلاش دارد جنبش کارگری را عقب براند، سیاستها و تاکتیک ها و توقعات را عقب براند و زمینه را برای حضور مجدد سازمانهای پلیسی و ضد کارگری بعنوان "نمایندگان کارگران" فراهم کنند حتی اگر از آنها منجز باشند و یا خود را سندیکالیست و اقتصاددان و یا مارکسیست دو آتشه بدانند.

#### "دستمزد عادلانه!"

اینکه جنبش کارگری در انگلستان در زمان جنبش چارتیستی شعار "دستمزد عادلانه برای روزکار عادلانه" را طرح کرد، موجهی برای طرح وارونه این شعار در قرن بیست و یکم نیست. نه کارگران انگلستان و نه کارگران هیچ جای دنیا امروز با توجه به تغییراتی که در بارآوری کار صورت گرفته است این شعار را طرح نمیکند. اگر این شعار از بحث انگلس گرفته شده که ظاهری "چپ" به کمپین دفاع از سازمانهای پلیسی دولتی تحت عنوان "نمایندگان کارگران" بدهد، خیلی شبیه به دفاع از خاتمی برخی در دوره حمایت از دو خرداد و فاکت آوردن از مارکس در برخورد به بورژوازی نوظهور است! "دستمزد عادلانه" از موضع اقتصاد سیاسی بورژوازی ربطی به "عدالت" از موضع کارگر و منافع کارگری ندارد. آنچه برای بورژوازی و کارفرما "عدالت" است برای کارگر عین بی عدالتی است و برعکس.

اما واقعیت اینست که دستمزد در سرمایه داری هیچوقت عادلانه نیست. کار مزدی نماد بردگی است. بردگی مزدی را هرچه مرمت کنیم هنوز بردگی است. کارگران در چهارچوب این نظام تلاش میکنند بخشی از ارزش اضافه تولید شده را با مبارزه و جانفشانی بازگردانند و یا با اعتصابات و مبارزات قهرمانانه تلاش دارند موقعیت کارگر را در مقابل سرمایه دار در مبارزه طبقاتی مساعدتر کنند. این مبارزه دائمی و غیر قابل تعطیل شدن است چون از زندگی واقعی و مکانیزم مادی مبارزه کارگر در این نظام ریشه دارد. اما همین مبارزه را گرایشهای اجتماعی متفاوت به سبک و سیاق اهداف اجتماعی و طبقاتی شان منعکس میکنند. نگرش کارگر کمونیسیت و سوسیالیست در مبارزه برای افزایش دستمزد همان نیست که گرایشهای رفرمیست و شبه توده ایستی، سندیکالیست، و بیرون اینها تمایلات دولتی و نوع خانه کارگری و اسلامی منعکس میکنند. اینجا بحث بر شرکت و عدم شرکت در این مبارزه نیست، این سوال مطلقاً وارد نیست. کسی که خود را کمونیسیت

میداند و در جریان مبارزه جاری کارگری شرکت نمیکند از نظر من کمونیسیت نیست و این نوع چپگرایی و "سوسیالیسم" پدانتیک همیشه وجود داشته است. بحث اینست که کارگر و نماینده کارگری، تشکل و سازمان کارگری، دخالت مستقیم و مستمر توده کارگران در امر روز خود چگونه تامین میشود. بیانیته فوق ما را به "نمایندگان کارگری" چاقو کش و شکنجه گر و دولتی ارجاع میدهد و مخالفت با آنرا با ادله های خود خشنود کن توجیه میکند.

اما در مورد دستمزد عادلانه باید گفت این "عدالت" همواره برای کارفرما وجود دارد و هرچه میزان استثمار و بخش ارزش اضافه و کار اضافه بیشتر باشد، هرچه کارگر کمتر مزد بگیرد و اسیرتر و سر بزیرتر و قانع تر باشد، از موضع سرمایه "عدالت" بیشتری اجرا شده است، و برعکس، هرچه کارگر پر توقع تر، مرفه تر و ایمن تر باشد، از نظر سرمایه "عدالت" اجرا نشده است. "مزد عادلانه روزانه در برابر کار عادلانه روزانه" از موضع و منفعت سرمایه دار یعنی مزد کمتر و ساعات کار بیشتر یا شدت کار بیشتر و تولید سود بیشتر. از نظر کارگر اما دقیقاً برعکس است و هرچه این مقیاس ها در قلمروهای مختلف به ضرر کارفرما و بنفع کارگر باشد، صرفاً گوشه ای از آلام بردگی کارگر در مناسبات کنونی را کم کرده است اما هنوز بردگی مزدی است. "دستمزد عادلانه" در سرمایه داری بطور کلی و در کشورهای استبدادی مانند ایران بطور اخص حرف پوچ و یک کلاهبرداری سیاسی است.

۱۹ آوریل ۲۰۲۰

\*\*\*

#### کمیته کردستان حزب حکمتیست

### ماشین جنایت رژیم اسلامی بی وقفه عمل میکند

امروز جمعه صبح دو نفر از زندانیان به اسامی واحد فیضی و رامیار مخلص اهل بانه در زندان مرکزی شهر سنجند اعدام شدند. دیروز لقمان احمدی و سینا محمدی نیز به دار اویخته شدند و روزهای قبل یاشار سعید پور و مصطفی سلیمی در زندان سقز اعدام شدند. ماشین کشتار جمهوری جنایتکار اسلامی بی وقفه عمل میکند و زندگی انسانها را ساقط میکند.

سران و کاربدستان رژیم خود قاتلین، فاسدین، دزدان و تبهکاران و مجرمان اصلی جامعه ایران هستند و همه آنان به جرم چهار دهه جنایت باید دستگیر و محاکمه شوند. قتل و جرم و جنایت و اعتیاد محصول فقر و تبعیض و نابرابری و اجتماع آلوده ای است که رژیم سرمایه داری اسلامی و سران آن خود عامل اصلی بوجود آورنده آن هستند.

قانون قصاص، قانون ارتجاعی و قرون وسطایی و انسان ستیز است و باید برچیده شود. اعدام قتل عمد دولتی برای ارباب جامعه است. برای پایان دادن به این جنایت راهی جز سرنگونی این رژیم نیست.

#### مرگ بر رژیم صد هزار اعدام!

کمیته کردستان حزب کمونیسیت کارگری ایران-حکمتیست

۲۴ آوریل ۲۰۲۰



## جایگاه افسانه ای هنر در فرهنگ بورژوایی

جاوید حکیمی

سحر قریشی سلبریتی پر حاشیه به یک رفتگر شهرداری دفعتاً توهین می کند. رفتگر از برکت همین توهین ظرف بیست و چهار ساعت شهره آفاق می شود و نامش مرزهای جغرافیایی را در می نوردد. شهردار منطقه به اتفاق هیئت همراه متشکل از خبرنگار، عکاس و فیلمبردار با تقدیم دسته گلی در مقام دلجویی از کارگر خود برمی آید. مجید فراهانی عضو شورای شهر قول می دهد تا به نمایندگی از مردم قدرشناس شهر، مسئله را تا عذرخواهی رسمی سلبریتی پیگیری کند.

کل ماجرا احتمالاً تا هفته آینده تمام می شود و اوضاع به روال سابق برمی گردد. سلبریتی مذکور عذرخواهی می کند و یحتمل می گوید پدر، عمو، دایی اش روزی رفتگر بوده و او خود از همین قشر زحمتکش برخاسته است. نزد رفتگر گمنام نیز روز، ساعت و لحظه توهین به شخصیت اش، "شیرین" ترین خاطره تمام عمرش میشود.

تا همین جا خواننده باید متوجه دامنه نفوذ و تاثیر هنر و هنرمند در جامعه شده باشد. جامعه بورژوایی اجتماعی است که هر حرکت هنرمندش از عطسه و سرفه و رنگ دلخواهش گرفته تا تابید و احترام به یکی و توهین و ناسزا به دیگری همه و همه رسانه ای می گردد. این یک خط طراحی شده است و برای آن میلیاردها پول هزینه می شود. هدف فراطبقاتی جلوه دادن هنر و جایگاه ملکوتی بخشیدن برای هنرمند است. می خواهند هنر را افیون توده ها کنند و کرده اند.

اگر خیال می کنید هنرمند تنها نزد عوام از چنین موقعیتی افسانه ای و رویایی برخوردار است باید بگوییم به خطا رفته اید. عوام و خواص البته از نظر سطح فرهنگ و سلیق ادبی و هنری بسیار از یکدیگر دور هستند لیکن در یک چیز مشترکند؛ درجه شیفتگی و شیدایی به بت های ادبی و هنری خویش. یکی برای تلو غش می کند دیگری نام شجریان هوش از سرش می رباید.

رویای انسان بورژوا رسیدن به چنین جایگاه و مرتبتی است. او آماده است زندگی خصوصی اش را تباه کند، اعتبار سیاسی اش را به باد دهد، آینده اش را قربانی نماید فقط برای آنکه نزد قشر کوچکی از جامعه هم که شده چنین جایگاهی بیابد. حالا باید روشن شده باشد چرا محمود دولت آبادی "هنرمند مردمی" سر سفره افطار روحانی رییس جمهور مدافع اعدام علنی می نشیند. دولت آبادی بدون رمان های کلیدر و کلنل یک فرد عادی است و او نمی خواهد چنین باشد. در جامعه بورژوایی هیچکس نمی خواهد یک آدم عادی باشد.

علی القاعده باید کمونیسیت ها را بری از این فرهنگ فردمحور و بورژوایی بدانیم. کمتر مارکسیستی را می توان سراغ داشت که به ایده فراطبقاتی بودن پدیده ها معتقد باشد. با این همه کمیت برخی از رفقا در مقوله هنر و هنرمند به طرز تاسفباری می لنگد. اغلب مارکسیست های باصطلاح ماتریالیست وقتی به مقوله ارزیابی از اثر هنری و تعیین جایگاه هنرمند می رسند از کاتولیک ها نیز ایده آلیست تر می گردند.

کافی است نویسنده ای دو تا نمایشنامه پرولتری و سه تا فیلم شبه مارکسیستی در کارنامه خویش داشته باشد تا فعال سیاسی ما احترام و ارادت ویژه ای برای او قائل گردد. گویی اینها نیز به همان بیماری شیفتگی و شیدایی نسبت به هنرمند دچار شده اند. واقعیت این است که ادما به اعتبار موقعیتشان در تولید روبروی هم



قرار می گیرند و نه مهارت های اکتسابی و خلاقیت های ادبی و هنری. در تحلیل نهایی همه چیز به کشمکش طبقاتی برمیگردد و ارزیابی از تمام پدیده ها از جمله مقوله های کلی نظیر فلسفه، اخلاق و هنر نه بطور فی النفسه بلکه با ارجاع به این کشمکش طبقاتی معتبر است. اینکه شخصی نمایشنامه پرولتری می نویسد هنوز چیزی راجع به جایگاه او در جدال طبقاتی نمی گوید. عجالتا او تنها یک نمایشنامه نویس ماهر است که محتمل است برای ادامه شغل نمایشنامه نویسی، خود را به قدرت حاکم بفروشد. فلسفه بقا و کسی بودن خودش یک هنر است.

جامعه هنری ما به لطف خیمه سنگین فرهنگ "غنی" ایرانی-اسلامی هرگز نتوانسته یک نیمچه چخوف یا گورکی تحویل دهد. اما من با خود فکر می کنم گیریم ما گورکی هم داشتیم. در آن صورت مارکسیست های ایده آلیست ایرانی اگر در موقعیتی مشابه لنین با گورکی قرار می گرفتند چه میکردند. شواهد نشان می دهد آن وضعیت رقت انگریزی خواهد بود.

۲۲ آوریل ۲۰۲۰

### تامین حق سلامتی و وظیفه دولت است!

**بهداشت جسمی و روانی، طب رایگان و برخورداری از تست مرتب پزشکی یک امتیاز طبقات دارا نیست، جزو حقوق پایه شهروندان است. دسترسی به اطلاعات معتبر و علمی در باره سلامت حق شهروندان است. دادن اطلاعات مرتب به جامعه توسط کادر پزشکی یک تعهد شغلی و یک وظیفه انسانی و علمی است. هر نوع امنیتی کردن این مسئله توسط دولت یعنی ممانعت از حق دانستن و اطلاع از خطر جانی، یعنی ارتکاب عاقدانه دولتی برای تهدید سلامت شهروندان. کور کردن ارائه اطلاعات علمی و مال اندوزی از طریق احتکار نیازهای اولیه بهداشتی مردم یک عمل جنایتکارانه است. دولت در قبال سلامت و بهداشت مردم مسئول است. وظیفه فوری دولت است که در وضعیت ویژه و بحرانی کنونی، بیدرنگ هرگونه خدمات پزشکی و داروئی را تماماً رایگان کند. سلامت و جان مردم نباید تجاری شود، جان قابل معامله نیست!**

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

## کارگران کمونیست و حزب کمونیستی

### در باره خط آنتی حزب

سیاوش دانشور



کارگران را کت بسته به مسلخ بورژوازی ببرند. همین کسانی که به کارگران نصیحت میکنند "طرف احزاب سیاسی نروید" - اگر به کسی برنخورد امنیتی ها برای اینکار عرق میریزند و پول خرج میکنند- منظورشان فقط احزاب کمونیستی است. حالا در میان همین خط آنتی حزب هستند کسانی که کارگران را دعوت میکنند تا با راه انداختن "جنبش مطالبه

محور" پشت حاج آقا خاتمی و کروبی و موسوی و روحانی سینه بزنند، خودشان در صف اول رای دهندگان و مبلغینی هستند که کدام اصلاح طلب استعفا دهد تا آن کاندیدای دیگر رای بیاورد! حتی در زندان هم نامه میدهند که به فلانی رای میدهم!

#### آنتی حزب و ناسیونالیسم

این آنتی حزب خود را همواره با سرویس دادن به بورژوازی یا بخشی از آن تکمیل میکند، مثلاً با شعار "تولید داخلی بیشتر" گردن فلان حاجی پاسدار- شکنجهگر "خودی و ایرانی" را کلفت تر میکنند. یا زمانی دورتر کارگران را در توهم وعده "جامعه مدنی" و "تشکل کارگری" که آخوند خاتمی قرار بود چراغش را روشن کند، میردند اما همزمان به احزاب کمونیست فحاشی میکردند، گرای امنیتی علیه فعالین کمونیست میدهند و برای فعال کارگری پرونده سازی میکنند. شاید سوال کنید این همه تناقض برسر چیست؟ جواب اینست که در عالم سیاست هر دیدگاهی اهداف و منافع طبقاتی ای را دنبال میکند. این آنتی حزب برای این آگاه است که اهداف ناسیونالیستی "شاخه کارگری" هم میخواهد. بالاخره "کارگران میهن" باید جان بکنند تا "عزت ملی" ایشان که ترجمه طول و عرض ثروت طبقه سرمایه دار در ایران است بیشتر شود! باید "کارگران غیور وطن" فداکاری کنند و به کمتر راضی باشند، تا "تولید ملی" - اسم رمز توسعه سرمایه داری و قدرت رقابت سرمایه ایرانی در بازارها- راه بیافتد و افزایش یابد و روسای "بهشت سرمایه داری" بتوانند در خارج پول خرج کنند! بالاخره باید "کارگران مسلمان ایران" حقوق بگیرند یا حقوق چند بار زیر خط فقر بگیرند، اضافه کاری کنند و حتی حق اضافه کاری یک مطالبه شان در مهمترین صنایع ایران باشد، در آونک و حلبی آباد "زندگی" کنند، کلیه شان را بفروشند تا به زخم شهریه و دوا و درمان بزنند، بچه هایشان تن فروشی کنند، تا یک مُشت مسلمان مرتجع سرمایه دار و آدمکش بتوانند قدرت جمهوری اسلامی را به رُخ این و آن بکشند! برای این جماعت و طرفدارانشان کارگر متمیزه و بیحقوق و غیر متشکل و غیر متحزب و سرکوب شده و تحقیر شده بسیار بهتر است. برای اینها کارگر متشکل و متحزب و مدعی قدرت سیاسی خطرناک است. تا از کارگر و ادعای کارگری و لنین و حکمت و دولت انقلابی کارگری صحبت میکنید، ناگهان خرواری از عبارات "توتالیتر" و "خشونت نکنید" و ادبیات ضد کمونیستی به رویتان پرت میکنند. با زبانی با شما حرف میزنند که گوئی خامنه ای و اسلاف جمهوری اسلامی به شما ارجحیت دارد! اما در دنیای سیاست واقعی و کشمکش طبقاتی، برای کارگر کمونیست و رهبر جدی کارگری که امری دارد و فکر میکند جامعه باید بدست کارگران باشد، این تلاشها مفت نمی آرد.

#### حزب نیاز مبرم است!

در جامعه و صحنه سیاست اما طبقات لخت و عور و بلاواسطه رو در روی هم قرار نمیگیرند. کشمکش طبقات اجتماعی از طریق جنبشها و احزاب سیاسی ای که ریشه در اقتصاد سیاسی یک جامعه

یک ویژگی اختناق سیاسی تبدیل شرایط و کارکرد سرکوب به "داده هائی تئوریک" برای گرایشاتی در چپ است. در نگاه به مباحث محافل متفرقه و بعضاً متضاد چپ در ایران زیاد با سیاست و تمایل آنتی حزب مواجه میشوید. این خط حزب گریزی و آنتی حزب یک شکل و یک چهارچوب سیاسی ندارد، بعضاً بطور کلی حزب را دشمن طبقه کارگر میداند و هر نوع حزبی را تکرار تجربه احزاب سرمایه داری دولتی بلوک شرق سابق معنی میکند، بعضاً جایگاه تشکل حزبی طبقه کارگر را در مبارزه جاری محدود و حاشیه ای میکند و بعضاً علیه سیاست و تلاش حزب کمونیستی برای کسب قدرت سیاسی است. این تمایل آنتی حزب در افراطی ترین شکل خود، کارگران را از پیوستن به احزاب سیاسی منع میکند و بر آنست که کارگران ضروری است صرفاً در تشکلهای توده ای خود، حال شورا یا سندیکا، متشکل شوند و با اتکا به تشکل توده ای شان میتوانند به مصاف سرمایه داری بروند.

در عالم نظر و ایده طبعاً خیلی چیزها میتوان گفت. برخی ضدیت شان با احزاب کمونیستی را به یک الگوی فکری ارتقا داده اند و مشترکاً با تحلیلگران بی بی سی میگویند که "دوره احزاب مدل لنینی بسر آمده است!" این تر کم کم به ضدیت با لنین، ضدیت با اراده انقلابی و ضدیت با عمل انقلابی کارگری ارتقا می یابد. کمی جلوتر انگلس را از مارکس جدا میکند و بعنوان "ضد مارکس" و "کمونیسم ایدئولوژیک" دراز میکند. در قدم بعد مارکس را به "جوان و پیر" تقسیم میکند و مارکس فلسفی و مارکس انقلابی را به دو پدیده میشناساند. وقتی با این نوع نظرات مواجه میشوید، در نظر اول انگار با نوعی آنارشیزم شلخته روبرو هستید اما این آنارشیزم سنتی هم نیست که زمانی دور به هر حال کارگری بود. بیشتر سابقه و رگ و ریشه این دیدگاه به محصولات کمونیسم مکتبی- فلسفی برمیگردد و از محصولاتِ بمده انشقاقات مکتب فرانکفورت و مباحث دهه شصت در اروپای غربی برسر دیالکتیک و چرخشهای ناسیونالیستی مارکسیسم غربی و ارو کمونیسم در تقابل با اردوگاه سابقشان است.

آنها هرچه بودند و هر تاریخی داشتند، محصولات دوران شکست اند، دوران بازننگری، دوران انزوا، دوران خزیدن به زیر پرچم بورژوازی "خودی" گیریم در جناح چپ آن. اینها اما فاقد تاریخ اند، فاقد سنت مبارزاتی اند، رگ و ریشه ای در جنبش طبقه کارگر و جدالهای تعیین کننده طبقه کارگر و احزاب طبقه کارگر مانند اسلاف اروپائی شان ندارند. لذا بعضی از بحثهای این نوع چپ جهان سومی بحدی غیرجدی است که پرداختن به آن فقط وقت تلف کردن است. از طرف دیگر در اختناق سیاسی، مسائل واقعی آنطور که باید مطرح و دیده نمیشوند، تصویری یک بعدی و آبتز از یک واقعیت پیچیده و چند بعدی اند. وارونگی سرمایه داری، بویژه در جوامع اختناق زده، تا سرحد توهامات مذهبی و احکام آسمانی ارتقا می یابند. نتیجه اینست که متأسفانه بسیاری که ظاهراً سنگ کارگر را به سینه میزنند میخواهند

## کارگران کمونیست و حزب کمونیستی

### در باره خط آنتی حزب ...

دیدن و بررسی دقیق تاریخی است. در دوره های انقلابی که مسئله قدرت سیاسی را به صدر میراند، جنبشهای اجتماعی را حول این موضوع و سوالات گریه ایندوره کشمکش طبقاتی قطبی میکند. همانطور که جنبشها و احزاب طبقات دارا برای قدرت سیاسی تلاش میکنند، جنبش سوسیالیستی و حزب سیاسی طبقه کارگر هم برای قدرت سیاسی تلاش میکند.

#### کدام کمونیسم، کدام حزب!

یک بحث و سوال میتواند این باشد که کدام حزب کمونیستی است، کدام حزب کارگری است و طبقه را بطور عینی نمایندگی میکند. خب، کم نداشتیم احزاب متفرقه بورژوائی که تابلوی "کارگر و سوسیالیسم" را بر سر درشان آویزان کردند اما دنبال منافع بخشی از بورژوازی بودند و یا در ائتلافی با بورژواها به خاکریز سرکوب کمونیسم و انقلاب کارگری تبدیل شدند.

حزب کمونیستی کارگری حزب پیشروان طبقه کارگر و کارگران کمونیست و سوسیالیست است یا اساسا باید این باشد. البته تاریخ قرن بیستم مملو از احزابی است که با جدائی از کارگر و جدائی از مارکسیسم، نام و پرچم کمونیسم را در خدمت منافع غیر کارگری و غیر سوسیالیستی قرار داده اند. اما احزاب کارگری احزابی جدا از طبقه نیستند بلکه محصول مبارزه کارگری و افق و راه حل کارگری در قلمرو حزبی و سیاسی اند. احزابی که چه در دیدگاه و نگرش سیاسی و چه در پایه اجتماعی ربط مشخصی به مبارزه و تلاش کارگری ندارند، علیرغم هر نام و پرچمی که داشته باشند احزابی فرقه ای و غیر کارگری اند. در عین حال حزب کارگری بودن و در میان کارگران نفوذ داشتن هنوز به معنای حزب کمونیستی کارگری نیست. گرایشات بورژوائی و مشخصا جناح چپ و مرکز طبقه حاکم، سوسیال دمکراسی و رفرمیسم، اگر نه در دو سه دهه اخیر و تحولات سوسیال دمکراسی، اما تاریخاً احزابی کارگری بودند و سیاستهای خود را از جمله با اتکا به حمایت گرایشی قوی در درون طبقه کارگر پیش برده اند. ما در باره حزب سیاسی کمونیستی کارگری حرف میزنیم که جریانی بانفوذ و موثر در میان جناح رادیکال و پیشرو جنبش کارگری و در قلمرو سیاست سراسری است. حزبی که نبض اش با اعتراض و مبارزه جاری کارگران میزند و افت و خیزش تابعی از این مبارزه و سنتهای ریشه دار سوسیالیستی آنست. حزبی که مبارزه رادیکال کارگری شناسنامه آنست و پرچمدار نقد گرایش کمونیست و سوسیالیست طبقه کارگر به نظم موجود است.

اساس تشکل حزبی کمونیسم کارگری موثر بودن و مطرح بودن سیاستهای حزب در میان کارگران است. اساس تشکل حزبی کمونیسم کارگری تحرک کارگران کمونیست و سوسیالیست در اعتراضات کارگری است. همه کارگرانی که در مراکز متعدد کارگری سیاستها و اهداف سوسیالیستی حزب را افق مبارزه خود قرار داده اند، نمایندگان و رهبران عملی حزب کمونیستی کارگری در جنبش طبقه کارگر برای سوسیالیسم اند. اینکه حزب در هر دوره ای و متناسب با تناسب قوا چه اشکال سازماندهی را اتخاذ میکند، امکان فعالیت علنی یا حتی نیمه علنی حزبی را در میان کارگران دارد یا نه، در قیاس با این مهم که وجود حزب در میان کارگران مستقل از اختناق و گشایش سیاسی امری مسلم در اشکال گوناگون است، ثانویتر است. اختناق شرایط کار کمونیستی را محدود و تهدید میکند اما توجیه محکمی برای غیبت فعالیت حزب کمونیستی در میان کارگران نیست. کمونیسم اساسا یک

سرمایه داری دارند، صورت میگیرد. بورژوازی برای حفظ و تداوم سلطه طبقاتی اش انواع حزب و سیاست برای بالا تا پائین جامعه دارد. اگر جناحی از بورژوازی نتوانست اهداف کل طبقه اش را نمایندگی کند و پیش ببرد، امور دولت و نهادهای اساسی هیئت حاکمه را دست جناحی دیگر میدهند، اما نباید دست کارگران و انقلابیون بیفتد. کارگران تاریخاً اگر نقشی ماندگار در جامعه ایفا کرده اند از طریق مبارزات جنبش طبقه شان و احزاب کارگری و کمونیستی بوده است. جنبش طبقه بدون حزب سیاسی و بدون جنبش اجتماعی و حزبی، یعنی عدم حضور در جدال سیاسی و با نهایتاً حضور بعنوان گروه فشار طبقه بورژوازی. بخش زیادی از نگرش آنتی حزب تنمّه آنتی کمونیسمی است که دستپخت دوره جنگ سرد است. آنتی کمونیسم یک سلاح دفاعی بورژوازی است، یک رکن تعطیل ناپذیر مبارزه علیه جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر است. مهم نیست این آنتی کمونیسم، حال ضدیت با کل آرمان کمونیسم و یا ضدیت با حزب و تشکل و سیاست کمونیستی، از دهان سخنگویان راست طبقه حاکم در می آید و یا توسط گروه فشار چپاش در جامعه پمپاژ میشود. یک نمونه آشنا انقلاب ۵۷ ایران است. کارگر در این انقلاب از فداکاری و مبارزه و اعتصاب و شورا و تشکل چیزی کم نداشت. اما فاقد یک حزب سیاسی بود که در آن تحول انقلابی نماینده و سخنگوی طبقه کارگر باشد. حزبی که نماینده طبقه در قلمرو سیاست سراسری در مقابل افق و راه حل بورژوازی در آن انقلاب باشد. احزاب چپ متفرقه ناسیونالیست و طرفدار آخوندها یا سازمانهای انقلابی و محافل متعدد چپ کم نبودند، اما حزب سیاسی کارگری که بتواند در مقابل بورژوازی جنگ را به نفع طبقه کارگر و راه حل کارگری تمام کند، نداشتیم. نتیجه فداکاری و مبارزات شکوهمند در آن انقلاب نهایتاً سرکوب خونین و شکست و چهار دهه مصیبت از جنگ و آپارتاید و کشتار عظیم و آوارگی تا فقر و فلاکت اقتصادی شد. آیا قرار است بار دیگر این تجربه تلخ تکرار شود؟ سیاست آنتی حزب این راه را به کارگران نشان میدهد.

#### گرایشات اجتماعی و احزاب سیاسی

سوسیالیسم و کمونیسم مانند ناسیونالیسم و لیبرالیسم و محافظه کاری و مذهب، گرایشی اجتماعی و طبقاتی است. تاریخاً کمونیسم و جنبش سوسیالیستی کارگران انتقادی اجتماعی به نظام سرمایه داری داشته و سوخت و ساز سیاسی و گرایشات مختلف درون طبقه در هر دوره احزاب سیاسی مختلفی را بیرون داده است. احزابی که تمایلات وسیع تر و پایدارتر درون طبقه را نمایندگی کردند و در قلمروهای مختلف سیاسی و سبک کاری و تاکتیکی نیز اختلاف داشته اند. گرایش سوسیالیستی در میان طبقه کارگر، سوسیالیسم کارگری، حتی بدون وجود یک حزب سیاسی کارگری و معتبر یک گرایش عینی و یک جنبش واقعی است که با این وعظ های مذهبی گونه روشنفکران بورژوا نه از بین میروند و نه میشود انکارش کرد. حزب کمونیستی کارگری حزب سیاسی این گرایش است. رفرمیسم نیز یک تمایل قدرتمند میان کارگران بویژه در دوره های غیر بحرانی و غیر انقلابی است و ماحصل این گرایش نیز در قامت حزبی و سیاسی و سازمان توده ای کارگری و سیاست و تاکتیک روز در جنبش کارگری قابل

## کارگران کمونیست و تحزب کمونیستی

### در باره خط آنتی تحزب ...

گرایش قدیمی و یک افق جاافتاده و یک سنت مبارزاتی در درون طبقه کارگر است و حزب کمونیستی کارگری حزب این گرایش و این افق و این سنت مبارزاتی است و رابطه تفکیک ناپذیری با آن دارد.

ما در مورد کمونیسمی حرف میزنیم که میخواهد روابط سرمایه داری و جامعه طبقاتی را برچیند. انتقادش به نظم موجود عمیق و ریشه ای است. پایه اش جنبش اجتماعی طبقه کارگر علیه سرمایه داری است و حزب سیاسی اش اساساً حزب پیشروان این طبقه بعنوان نوک فشرده این جنبش عظیم است. حزب کمونیستی کارگری طبق تعریف، سازمان رهبری پیشروان طبقه است که قرار است طبقه را در قلمرو سیاست سراسری نمایندگی کند، استقلال سیاسی و فکری و تشکیلاتی طبقه کارگر را تامین کند و در مقیاس جامعه حضور جنبش سوسیالیستی را برای توده اهالی ملموس و به یک انتخاب عینی و مطلوب تبدیل کند. تشکل توده ای کارگری، بعنوان مثال شوراها و جنبش مجمع عمومی- شورائی، سازمان توده ای طبقه کارگر است که منافع عمومی و اتحاد طبقه را در مقابل بورژوازی حراست میکند. هیچکدام جای دیگری را نمیتواند بگیرد و هیچکدام بدون دیگری به جایی نمیرسد.

در تاریخ جنبش بین المللی کارگری، سنتهای آنارشیستی و گرایشات که کارگران را از سیاست دور میکردند همواره وجود داشته است. نقطه اشتراک این گرایشات خلع سلاح کارگران از تحزب سیاسی و تسلیم آنها در مواقع بحرانی به بورژوازی بوده است. کارگران حتی اگر در تشکل های توده ای در مقیاس یک جامعه هم متحد شوند، برای وارد کردن ضربه نهائی به این نظام باید بمثابة "حزب سیاسی" عمل کنند و از خود "حزب سیاسی" بیرون بدهند. نمیشود نقد ریشه ای به مناسبات سرمایه داری داشت اما کاری به کار سرمایه و قدرتش نداشت. نمیشود تبعیض و بیحقوقی و فلاکت را دید و جنبشهای انقلابی و ضد تبعیض را حول پرچم کارگران برای رهائی جامعه بسیج نکرد. کارگر یا بعنوان یک طبقه و یک آلترناتیو اجتماعی در تحولات سیاسی برای کسب قدرت سیاسی و اعلام دولت انقلابی و کارگری ظاهر میشود و یا تار و مارش میکند، بورژوازی کرور کرور رهبرانش را می کشد و سازمانهایش را نابود میکند.

جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر دولت شوراها را سرکار می آورد. این جنبش فقط نمیخواهد خودش را آزاد کند بلکه پرچمدار آزادی جامعه است. برخلاف بورژواها مالکیت را در انحصار اقلیتی ناچیز نگه نمیدارد و با لغو مالکیت اقلیتی ناچیز و اشتراکی کردن آن، مالکیت را به عموم برمیگرداند. دولت کارگری خوشبختی و رفاه و علم و سعادت و حق زندگی و حیات و پیشرفت و شکوفائی را "ویژه" کارگر نمیداند بلکه حقوق همه انسانهای آزاد میداند. لذا کارگر و جنبش کمونیستی کارگری در موضع پاسخ دادن به ماموران تکامل تاریخ و به مبصران و مجیزگویان بورژوازی نیست، بلکه خود کلید حل معمای تاریخ است. برای جنبش کمونیستی طبقه کارگر، بحث تصرف قدرت سیاسی، استفاده از ابزار دولت بمثابة یک وسیله بسط مبارزه طبقاتی در دوره انقلابی و درهم کوبیدن مقاومت بورژوازی در مقابل برقراری

سوسیالیسم، یک رکن اساسی و کلیدی مارکسیسم و کمونیسم مارکس و منصور حکمت و فشرده ترین بیان گذار از تفسیر فلسفی جهان به تغییر انقلابی جهان است. معلوم نیست چرا همین چپ ناسیونالیست و گرایشات راست کارگری با قدرت بورژوازی معضلی ندارند و حتی بخشا دنبال آن می افتند اما وقتی بحث کارگر و حزب کمونیستی کارگری است همه مبصر میشوند و عملاً با دور نگهداشتن کارگران از قدرت از "حق ویژه و انحصاری" بورژوازی دفاع میکنند؟ بورژواها را ببینید که با انتخابات تقلبی و وعده های پوچ تر از پوچ بقدرت میرسند و هیچکدام از این منتقدین کارگران و کمونیستها صدایشان در نمی آید. دولت و قانون شان همه علیه طبقه کارگر است و به هیچ کسی پاسخگو نیستند. نه فقط در ایران اسلام زده و استبداد زده بلکه در آمریکای دمکرات هم همینطور است. هر کاری میخواهند میکنند، به هر کشوری میخواهند حمله میکنند، پول از جیب کارگر درمیآورند و به جیب سرمایه دار میریزند و هنوز "عالیجنابان" و "شخصیتهای دمکرات" اند. از نظر اینان در ایران خمینی و خامنه ای و شازده ها و نوه های جبهه ملی میتوانند در قدرت باشند اما کارگر و کمونیسم نمیتواند؟ جنبش کمونیستی طبقه کارگر بدهی به کسی ندارد. کسی که میگوید چنین حزبی نمیتواند دست بقدرت سیاسی ببرد، باید جوابش را اینگونه داد که به شما ربطی ندارد، سوسیالیسم مبصر نمیخواهد، لطفاً شما بروید حیات خلوت قدرت بورژوازی را آب و جارو کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بدو برای همدلی و هم افقی گرایش کمونیستی طبقه کارگر تلاش میکند و تحقق آنرا در گرو اتخاذ سیاستهای حزب در قلمروهای سازماندهی و رهبری مبارزات کارگری و اجتماعی توسط این گرایش در کل طبقه جستجو میکند. سازمان حزبی ما طبق تعریف تناقضی با زندگی و شرایط مبارزه روزمره و جاری کارگران ندارد. پیشروی و پسروی سازمان حزبی کمونیستی کارگری تابعی از موقعیت گرایش کمونیستی در کل طبقه و کل جامعه است. هم جبهتی و هم افقی کارگران کمونیست و رهبران کارگری با حزب و سیاستهای حزبی ماتریال اساسی و نمود عینی حزب و تشکل حزبی در میان کارگران در شرایط امروز است.

۲۳ آوریل ۲۰۲۰

### نباید گذاشت کسی گرسنه بماند!

تأمین معیشت و حقوق پایه مردم وظیفه مستقیم دولت است. در دوره بحرانی کنونی این وظیفه بی اما و اگر است. باید رژیم را موظف به تأمین معیشت مردم کرد. نهادهای همیاری، که اینروزها نماد نعدوستی و همبستگی انسانی اند، نباید بگذارند کسی بدون غذا و نیازهای اولیه بماند. در هر کوی و برزن بداد همسایه و سالمندان و محرومان برسیم. نیازهای غذایی و بهداشتی را به طرق مختلف تأمین و توزیع کنیم. مبتکرانه راه های کمک رسانی را پیدا کنیم و به همدیگر اطلاع دهیم!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸



## اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست بمناسبت اول ماه مه!

### در اول ماه مه روز جهانی وهمبستگی طبقه کارگر اعلام می کنیم،

### سرمایه داری دشمن بشریت است. سوسیالیسم تنها راه نجات بشریت است!

کشمکش طبقاتی امروز است.

در ایران، بحران کرونا، وقفه ای در یک روند تلاطم تند سیاسی ایجاد کرد در عین حال بیشتر از هر زمان ضدیت و ماهیت جنایتکارانه جمهوری اسلامی را به همگان نشان داده است. صحنه سیاست ایران بعد از کرونا تشدید مبارزه گسترده تر برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و تقابل تندتر سیاسی جنبش های طبقاتی متمایز خواهد بود. خیزش های سرنگونی طلبانه و علیه فقر و فلاکت در اعتراضات توده ای دیماه ۱۳۹۶ و آبانماه ۱۳۹۸ آن حلقه اصلی است که بستر سیاست ایران بعد از کرونا را به ماقبل خود وصل می کند. تمام جنبش های بورژوائی مخالف جمهوری اسلامی، جنبش های طبقات دارا خود را برای بعد از کرونا آماده میکنند. طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی نیز آگاهانه همین راه را دنبال میکنند. در ایران طبقه کارگر بیش از هر زمان با نقد ضد سرمایه داری و با تکیه به جنبش شورائی میتواند به یک پای کشمکش برسر قدرت سیاسی بدل شود. این بار کشمکش طبقات برسر دولت، حاکمیت، قانون و تصویر از آینده اوج میگیرد و طبقه کارگر باید سیاست و تاکتیک اش را براین اساس تعیین کند.

در اول ماه مه و در مناسبت روز جهانی کارگر، جنبش کارگری و اردوی آزادیخواهی ضروری است در تقابل با سیاست های جمهوری اسلامی از جمله فرستادن کارگران به کار در شرایط تداوم اپیدمی کرونا، سیاست الئرناتیو خود را اعلام کنند. طبقه کارگر سیاست اعلام شده توسط روحانی، فرستادن کارگران به سرکار را بعنوان قتلگاه کارگران و هولاکاست اسلامی و ضد کارگری محکوم می کند و قاطعانه در مقابل آن می ایستد. کارگران باید علیه دستمزدهای چند بار زیر خط فقر سال ۹۹ اعتراض کنند و مانورهای حیوانانه و ضد کارگری نهاد پلیسی موسوم به "خانه کارگر" را افشا و محکوم کنند. در اول مه طبقه کارگر ایران و فعالین و تشکلهای آن ضروری است از وظیفه دولت برای تامین معیشت همه ساکنین ایران بویژه کارگران و محرومان، تامین و تضمین نیازهای بهداشتی و درمانی، تعطیلی مراکز کار بجز نیازهای ضروری، پرداخت یکجای کلیه حقوقهای معوقه، بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده بکار، تامین رایگان آموزش، ممنوعیت اخراج و بیکارسازی، آزادی فوری کلیه زندانیان سیاسی و دیگر زندانیان در این شرایط تاکید کنند.

فراخوان ما اینست که به طرق ایمن و بصورت گسترده مناسبت اول ماه مه را گرامی بداریم، تمایز سیاست های جنبش طبقه کارگر را با جنبش های دست راستی بطور شفاف اعلام کنیم، وقت آن رسیده است که کارگران برای رهبری جامعه و برون رفت از بحران های عدیده اعلام آمادگی کنند و برای بعد از کرونا ابتکار عمل سیاسی را بدست گیرند. در اول ماه مه ضروری است با اعلام هم سرنوشتی طبقاتی و انترناسیونالیستی با کارگران جهان بر گسترش جنبش شورائی طبقه کارگر و پرچم سوسیالیستی آزادی جامعه تاکید کنیم. اول ماه مه را به طبقه کارگر ایران و کارگران جهان تبریک میگوئیم!

**زنده باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی طبقه کارگر!**

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!**

**زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!**

۲۰ آوریل ۲۰۲۰ - ۱ اردیبهشت ۱۳۹۹

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت)، هسته اقلیت.

کمونیست ها همواره بر این واقعیت تاکید کرده اند که علت پایه ای مشقات بشر امروز نظام سرمایه داری است. بحران کرونا بار دیگر نشان داد که سرمایه داری با سلب حقوق پایه ای انسان ها مانند حق سلامتی و کالائی کردن آن، عملاً و با سببیت تمام دست به کشتار شهروندان و اساساً کارگران و محرومان زده است. در قرن بیست و یکم، در اوج توانائی علمی و تکنولوژیکی و بارآوری کار، هنوز بهداشت و درمان و حق سلامتی برای همگان در دسترس نیست. هنوز سیاست و استراتژی دولت های سرمایه داری بر "مصونیت گلهای" متکی است چرا که امکانات کافی پزشکی و درمانی برای مقابله با یک بیماری مانند کرونا وجود ندارد! این در حالی است که اختصاص درصد بسیار ناچیزی از هزینه های نظامی می تواند به بهترین وجهی سلامتی و بهداشت و درمان را برای همگان تامین و تضمین کند. سرمایه داری تا آنجا روی مسائلی مانند بهداشت و درمان و آموزش و محیط زیست سرمایه گذاری می کند که سودآور باشد، یعنی سود سرمایه مقدم بر حقوق پایه ای شهروندان ساکنین کره خاکی است. در جهانی که غرق ثروت است، تولید کنندگان کل ثروت اجتماعی، کارگران و زحمتکشان، در ناامنی اقتصادی و اجتماعی روزافزون بسر می برند. میلیاردها نفر اسیر فقر، گرسنگی، بیکاری و بیماری هستند و اقلیتی بسیار ناچیز از سرمایه داران بر کره خاکی حکم می رانند.

پیامدهای بحران کرونا تاکنون به بیکاری صدها میلیونی، چشم انداز بیکاری وسیع تر، گسترش راستگرایی و دیدگاههای علناً فاشیستی میدان داده است. بار دیگر دولت ها از جیب کارگران میلیاردها دلار به بانک ها و بنگاه های سرمایه داری تزریق کردند و این در شرایطی است که در بسیاری کشورها کارگران را وادار کرده اند تحت شرایط بشدت خطرناک کار کنند تا برای سرمایه سود تولید کنند. در عصر انقلاب ها و تحولات تکنولوژیک که می توانست به کاهش ساعت کار و رفاه بیشتر کارگران ترجمان عملی یابد، اما وجود جوامع فقر زده و بیکاری انبوه و شکاف عظیم طبقاتی ماحصل نظام وارونه سرمایه داری است. سرمایه داری امروز با گسترش جنگ ها و تشدید رقابت های امپریالیستی برای دسترسی به بازارهای کار و کالا، بیش از هر زمان کره زمین و محیط زیست انسان ها را با تهدید نابودی روبرو کرده است.

اما عملکرد و سیاست های دول سرمایه داری یکسوی واقعیت است. در سوی دیگر کشمکش طبقاتی در اشکال مختلف و در هر منفذ جوامع امروز در جریان است. مبارزات کارگری از آمریکا و اروپا تا آسیا و چهارگوشه جهان بدرجات مختلف جریان دارد. انتقاد به نظم موجود و دفاع از عقلانی بودن سوسیالیسم بیش از هر زمان در متن بحران کرونا طرح شده است. گرایش های ضد سرمایه داری تقویت شده اند و تقابل با سیاست های بورژوازی بیش از هر زمان روشن تر طرح می شوند. بورژوازی و جناح های مختلف آن حتی یارای راه حلی میانمدت برای برون رفت از بحران های عدیده نظم کنونی نیستند نمی توانند باشند. امروز دوره ای است که جنبش رهائیبخش کارگری بار دیگر باید با پرچم مستقل خویش به میدان بیاید و بمثابة رهبر آزادی جامعه با راه حل متمایز کارگری و سوسیالیستی ظاهر شود. بویژه دنیای بعد از کرونا صحنه جدال های قدیم و جدید خواهد بود. دنیای پساکرونا صحنه حادثه کشمکش طبقاتی خواهد بود. بورژوازی تلاش دارد که بار بحران اقتصادی را روی دوش طبقه کارگر بگذارد و طبقه کارگر نیز ناچار است به دنیای پساکرونا شکل دهد و نقش و جایگاه خود را برای جامعه از قید بندگی و بردگی ایفا کند و اعلام کند، تنها سوسیالیسم است که می تواند بعنوان یک راه حل در مقابل جوامع امروز قرار بگیرد. این از نیازهای مبرم

## زنده باد اول مه!

أفق طبقه کارگر ملی نیست، مذهبی نیست، جنسیتی نیست، استقلال طلب و خودمختاری طلب نیست، منفعت صنف خاصی را دنبال نمیکنند، دین ویژه ای نمی آورد و در پی احیای سنت های عتیق و باستانی بشر نیست. کارگران میخواهند مبنای نظم مبتنی بر تبعیض و نابرابری، نظم مبتنی بر استثمار کار مزدی و مالکیت خصوصی را تغییر دهند. اول مه پرچم طبقه کارگر رادیکالی است که تغییر این جهان وارونه و نظم سرمایه داری را امر فوری خود میدانند. اگر جنبشها و طبقات دیگر آزادی قسمتی و حقوق ویژه ای را نهایت اهداف خود قرار داده اند، طبقه کارگر در عین طرح مطالبات بلاواسطه اش، که آنهم در چهارچوب رفاه همگانی قرار دارد، پرچم آزادی انسان از سلطه و انقیاد سیاسی و اقتصادی سرمایه داری و مناسبات بردگی مدرن مزدی را برافراشته است. این یعنی کارگر برای آزادی ناچار است همه را آزاد کند و در اسارت نگهداشتن بخشی از جامعه منفعتی ندارد. این یعنی طبقه کارگر آزاد نمیشود مگر اینکه کل جامعه را آزاد کند.

## زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

آوریل ۲۰۲۰

## کارگران جهان متحد شوید!

در اول مه نه شاهی تاجگذاری کرده است، نه مذهبی آمده است، و نه "ملتی" درست شده است! اول مه روز یک طبقه جهانی، روز یک جنبش بین المللی کارگری است که برای تغییر ریشه ای جهان، برای انقلاب کمونیستی مبارزه میکند!

اول مه روز صاحبان واقعی جهان است! روز بشریتی است که جهان بدون کار او نمیتواند سرپا بماند! روزی است که اسپارتاکوس های این جنبش، رهبران کمونیست و سوسیالیست کارگران، اعلام میکنند: برای رهایی جامعه راهی جز انقلاب کارگری، انقلاب بردگان مزدی، علیه سیستم بردگی مزدی وجود ندارد!

**زنده باد اول مه!**

**زنده باد انترناسیونالیسم کارگری!**

**زنده باد انقلاب کارگری!**

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

آوریل ۲۰۲۰



## دولت را موظف کنیم!

- بیدرنگ شهرها و مناطق بحرانی را قرنطینه کند، نیازهای درمانی، بهداشتی، معیشتی، تدارکاتی و خدماتی ویژه قرنطینه را تامین و تضمین کند!
- نیازهای معیشتی و پزشکی و بهداشتی کلیه ساکنین ایران را به فوریت تامین کند!
- بیشترین امکانات و بودجه را به کادر درمان و نیازهای درمانی اختصاص دهد!
- کلیه مراکز تولیدی و خدماتی اعم از دولتی و خصوصی را تعطیل کند. تداوم فعالیت مراکز ضروری و اورژانس، بصورت شیفته با کاهش ساعات کار تضمین شود!
- حقوق کارگران و پرسنل واحدهای تولیدی و خدماتی بدون کاهش یا تعویق پرداخت شود!
- هر نوع اخراج و بیکارسازی توسط کارفرمایان ممنوع شود!
- کودکان کار و خیابان، بی مسکنان و معتادین را در مراکز ویژه با رعایت کامل کرامت انسانی و تامین نیازهای معیشتی و بهداشتی آنان اسکان دهد!
- وسائل بهداشتی از قبیل ماسک، دستکش و شوینده ها بصورت رایگان توزیع شود!
- لغو پرداخت قبوض آب و برق و گاز و اجاره و تلفن تا فائق آمدن کامل به بحران!
- لغو پرداخت بدهی و دیون مردم به بانکها تا پایان بحران و برگشت به وضعیت عادی!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

### به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفاً کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

[Siavash\\_d@yahoo.com](mailto:Siavash_d@yahoo.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی کمونیست

زنده باد سوسیالیسم!